

ماهیت جنگ تحمیلی و فرسایشی عراق امپریالیستی است

بنام خدا
انقلاب اسلامی ایران بر اساس جوهر اسلامی و مردمی خود، امپریالیزم و وابستگی جهانی و منطقه ای آنرا به تلاشهای ضدانقلابی و ضد مردمی مذبوحانه‌ای واداشته است. آمریکا از وقتی که رژیم وابسته شاهنشاهی را از دست رفته یافت، بقیه در صفحه ۷



بیانیه دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز دانشگاهها و مدارس عالی در رابطه با دانشگاهها

در فرهنگ توحیدی اسلام، انقلاب دگرگونی کلیه نهادها و روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی - فرهنگی سیستم ارتجاعی گذشته و زدودن ارزشهای شرک آلود از تاروپود جامعه و استواری بقیه در صفحه ۸

نشریه جنبش مسلمانان مبارز

چهارشنبه ۲ مهر ۱۳۵۹ شماره ۷۵

بهاء ۲۰ ریال

عراق دست در دست آمریکا و ارتجاع منطقه

بفرار گرفت، عازم بغداد شد تا بار دیگر آنچه را که گذشته بود با اربابان آمریکائی و انگلیسی خود در حضور نوری سعید خائن مرور نماید. اما دیری نیاید که حلقه بهم پیوسته پیمان امپریالیستی و تجاوزکار "بغداد" در هم شکسته شد و سحرگان روز انعقاد اجلاس سران پیمان بغداد در آنکارا در قصر سلطنتی برگبار مسلسل خشم مردم عراق گرفتار آمد و نوری سعید که در لباس زنانه در پی گریختن بود، دستگیر و به مجازات انقلابی رسید. از آن پس انتظار میرفت و حق این بود که خواستهای مردم عراق مبنی بر گسستن همه زنجیرهای وابستگی با امپریالیسم و برپائی جامعه‌ای آزاد و عاری از شرک طبقات استثمارگر و قرار گرفتن در خط تقدم جبهه نبرد با دشمن مشترک خلقهای منطقه یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع محلی تحقق یابد. بقیه در صفحه ۷

عراق نوری سعید و ملک فیصل که غرق در وابستگی با امپریالیسم بود و خود از فاجعه فرینان ارتشهای عربی در سالهای اشغال سرزمین فلسطین، هرگز انتظار مردمی بودن در جبهه مقدم جنگ رهائی فلسطین بودن برنیانگيخت. عراق آن روزگار مرکز توطئههای ضدانقلابی و ضدانصری و ضد هرگونه حرکت رهائی بخش در منطقه بود، و وقتی شاه خائن بعد از کودتای شب ۲۵ مرداد سال ۱۳۳۲ تصمیم

سلام بر خمینی درود بر شهیدان پاینده باد انقلاب اسلامی ایران

جوانان دلیر و رزمنده این مرز و بوم با همان شور و ایمانی که در هفده شهریور ۵۷ برای آزادی و استقلال و استقرار حکومت اسلامی در برابر دژخیمان آدمکش رژیم پهلوی ایستادند و با جان خویش در شیپور بقیه در صفحه ۲

بدلان و نفاق افکنان و کوردلان ناآگاه نمی بینند که تنها و تنها انقلاب اسلامی و رهبر آن امام خمینی است که زیر شدیدترین و کثیف ترین حملات امپریالیستی قرار دارد.

خط امام را از و رای پیام های اخیر پیشناسیم

بقیه در صفحه ۱۱

چه کسانی در پی مخدوش ساختن چهره نهضت ملی و دکتر مصدق برآمده اند؟

"انقلاب به معنی اصالت دادن و گرمی شمردن همه تلاشهایی است که در گذشته بکار رفته و تراکم همین کوششها است که انقلاب امروز را شکوفا و برمختوی گردانیده است."

انگیزه حمله به دکتر مصدق و مخدوش ساختن چهره او و نهضت ملی ایران اگر برای کسانی که از تاریخ نهضت آگاهی ندارند، جهل و خطا در برداشته باشد، مسلماً برای بعضی دیگر انگیزه‌های ناسالم و مغرضانه با کوردلانه و ناشی از تنگ نظری فکری و سیاسی است. عناصری که با انگشت گذاشتن روی بعضی ضعفها - که باید در شرایط خاص بقیه در صفحه ۳

در هفته گذشته هنگام طرح پاسخ مجلس به نامه نمایندگان کنگره آمریکا، بعضی از نمایندگان مجلس فرصت یافتند تا دکتر مصدق چهره برجسته مبارزه ضد استعماری ملت ایران را مورد حمله و نکوهش قرار دهند، زیرا در پیش نویس جوابیه کمیسیون خارجه ضمن یادآوری جنایات آمریکا از توطئه کودتای ۲۸ مرداد و سرنگون ساختن حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق یاد شده بود...

هدفهای امپریالیسم و صهیونیسم در لبنان

در لبنان چه می گذرد

شب زنده داربهای فرهنگ و اخلاق منحط سرمایه داری، لبنان فقر و استثمار و بیماری و بی خانمانی از یکسو، و لبنان ساختمانهای سر بفلک کشیده غنوده در دامن سرمایه - داران و صرافان و جاسوسان از سوی دیگر. راستی در لبنان چه میگذرد؟ ریشه های جنگ دوساله سالهای ۵۵ و بقیه در صفحه ۱۲

لبنانی که سالیان دراز آئینه تمام نمای انعکاس تضاد های ناشی از سیطره استعمار و امپریالیسم در کرانه های مدیترانه بوده است، لبنان بانک ها و سرمایه گذارها، لبنان ستادهای جاسوسی در منطقه، لبنان خوش گذرانها و

پیام دانش آموزان هوادار جنبش مسلمانان مبارز به خواهران و برادران دانش آموز

بنام خدا
خواهران و برادران دانش آموز نسلی که بار مسئولیت عظیم پاسداری از دستاوردهای شهیدان بخون خفته انقلاب هم اکنون و در آینده بر دوش شما سنگینی می کند، در شرایطی دومین سال تحصیلی عصر انقلاب را آغاز میکنیم که انقلاب اسلامی مراحل بسیار خطرناک و حساس پرمسئولیتی را از سر می گذراند و کوچکترین غفلت از حساسیت تعیین کننده شرایطی که بر انقلاب می گذرد عواقب خطرناک و غیر بقیه در صفحه ۶

بنام خدا

خوهران و برادران دانش آموز نسلی که بار مسئولیت عظیم پاسداری از دستاوردهای شهیدان بخون خفته انقلاب هم اکنون و در آینده بر دوش شما سنگینی می کند، در شرایطی دومین سال تحصیلی عصر انقلاب را آغاز میکنیم که انقلاب اسلامی مراحل بسیار خطرناک و حساس پرمسئولیتی را از سر می گذراند و کوچکترین غفلت از حساسیت تعیین کننده شرایطی که بر انقلاب می گذرد عواقب خطرناک و غیر بقیه در صفحه ۶

توطئه فئودالها و مرتجعین علیه طرح اصلاحات ارضی

مشغول و حاصل دسترنج ناچیزشان را به بیما میبندند. بعد از انقلاب برائت معاشات و سازشکاریهای لیبرالها و همدستی و اسپرگاریان دوباره جان گرفته و اینها که در آغاز انقلاب در سوراخها خزیده بودند، به صحنه بازگشتند تا به غارت دیرینه خود ادامه دهند. در این راه در بیشتر نقاط ایران در مقابل انقلاب ایستاده و مسلحانه علیه انقلاب توطئه کردند. گند و فاس و کردستان نمونه عینی آن میباشد. تا اینکه پس از مدتها با ورود برادر رضا اصفهانی به وزارت کشاورزی با همه کارشکنیها و توطئه هایی که صورت میگرفت اقداماتی در جهت مبارزه با فئودالها انجام شد از آن جمله تصویب طرح اصلاحات ارضی میباشد. که در این رابطه استانها به مناطق چندگانه تقسیم گردید. و در هر منطقه هیات هفت نفری جهت تقسیم زمین مستقر شد. و این هیاتها در شهرها به تشکیل گروههای هفت نفری دیگر - بت تحقیق در روستاها پرداختند تا پس از تحقیق و بررسی وضع روستائیان از نزدیک زمین داران بزرگ را شناسایی کرده و در مرحله دوم به کمک خود روستائیان به تقسیم زمین های بغارت برده آنها در بیر روستائیان بپردازند. اما اینبار هم این غارتگران فئودال ساکت بقیه در صفحه ۴

فئودالها این اربابان زالوصفت، که از مدتها قبل به استثمار و غارت زحمتکشان ما

جمال عبدالناصر سرباز پیروزی و شکست (بمناسبت دهمین سالروز مرگ ناصر)

ناصر مظهر وحدت عرب و سرباز همیشه جبهه اعراب بود، زیر اعلاو و بررهائی مصر از قید استعمار، خواهان آزادی تمام مناطق عربی بود.

که نابه حق به انحصار خویش درآورد ماوند و نیز برای کسب و بدست آوردن آنچه که از دسترس دستان برآز و سیری ناپذیر و مکنده چون زالویشان، دور است، از کشورهای عقب رانده شده که چهره شان از فرهنگ فقیر و از فقر فرهنگی شدیدی داستان می گوید، آقامی گرد می ورزد که در مرکز آن خود واقع شده اند، تا با استفاده از منابع و نیروی انسانی رایگان، پایهای انحصار خویش را هرچه بیشتر در عمق وجود پرورد جهانیان سوم و جهان سوم فروبرند. بقیه در صفحه ۱۰

قطبیت پدیده ایست همیشه حاضر در جهان بشریت. قطبها و محورها چه در غالب سزارها و امپراطوران و چه در هیات فراغنه و خسروان در قدیم و چه ملیس به رداى استعمار بریتانیا در اخیر و چه هم- اکنون در ظاهر پرفریب و آکنده از استثمار آمریکا، حضوری همیشگی و مستمر داشته اند. قطبهایی که حضورشان و وجودشان پیوندی تنگ تنگ با دربند کشیدن و به عدم کشاندن ملکها و ملتها دارد. قطبهای استعمار جدید برای حفظ آنچه

مباحث ایدئولوژیک
دکتر حبیب الله پیمان
مقاله های اساسی مکتب
جهان بینی

چنانکه پیشتر یادآور شدیم، جهان هر شخص در ابتدا در وجود "خود" منحصر و محدود است. با رشد و تکامل تدریجاً شخص از این جهان کوچک و بسته پا بیرون می گذارد و شام آرا توسعه می دهد، چون کودکی با نام "دگام پوستهای سخت خود بینی" و "خود جهانی" را می شنود و دیگری یا دیگران را هم در این جهان شرکت می دهد و "خود جهانی" وی تبدیل به "ما جهانی" یا "جهان ما" میشود. بعضی علیرغم توسعه جهان شناسی و آگاه شدن از وجود عناصر دیگر، از لحاظ جهان بینی

نمایندگان مجلس درباره سرنوشت گروگانها چه می گویند؟
بقیه در صفحه ۶

ایران کشوری است که رسماً با آمریکا می جنگد. ما با آمریکا در ستیزیم.

بقیه از صفحه ۱

انقلاب دیدند و خون، لاله های سرخ شهادت را آبیاری و نهال انقلاب اسلامی را بر طراوت و شکوفا ساختند هم امروز هم در برابر امپریالیسم جهانخوار جنایتکار آمریکا ایادی پلیدش ایستادند و از آرمان عزیز خویش و امانت شهیدان پاسداری میکنند نهر عظیم و سرخ شهادت، از خون شهیدان هر روز و هر شب در جبهه نبرد با اهریمن خونخوار موج است - بدخواهان و دشمنان انقلاب هر چه میخواهند بگویند، تبلیغات عظیم امپریالیسم و صهیونیسم و مزدوران داخلی اش

سلام بر خمینی درود بر شهیدان پاینده باد انقلاب اسلامی ایران

ترین حملات امپریالیستی قرار دارد. آیا برای شناختن خط امریکا حقایق و شواهد کم داریم؟ آیا برای اثبات حقانیت

راستی چرا بسیاری از جوانان ما، روشنفکران مین ما از این حقایق بی اطلاعند و همه چیز را با عینک بدبینی و کج اندیشی می نگرند - آنان چنان بر انقلاب و رهبر آن می تازند که گویی در تاریخ ایران جریانی دشمن تر از این بدید نیامده

انقلاب و درستی خط حرکت امام مشاهده اینهمه دشمنی و کینه توزی از جانب دشمن کافی نیست.

آقایان! برادران و خواهران، آنقدر تنها روی نقاط ضعف انگشت نگذارید تا ثابت کنید انقلابی در کار نبوده و نیست و تا سپس برای توجیه دشمنی کینه توزانه آمریکا ناچار شوید به استدلالها و تحلیلهای غیرواقعی بینانه توسل جوئید.

آمریکا با دولتهای بعد از انقلاب دشمن نبوده و نیست امریکا با جوهر و محتوای انقلاب با توده های جان بر کف مسلمان و رهبر آشتی ناپذیر و سرسخت آن دشمن است - امریکا از جنبش انقلابی ملت مسلمان میترسد.

این دولتها، لیبرالها و مرتجعین نیستند که در جبهه جنگ با امریکا خون میدهند، شهید میشوند این توده محروم و جوانان و سربازان خمینی و فرزندان دلاور انقلاب اند که با امپریالیسم می جنگند.

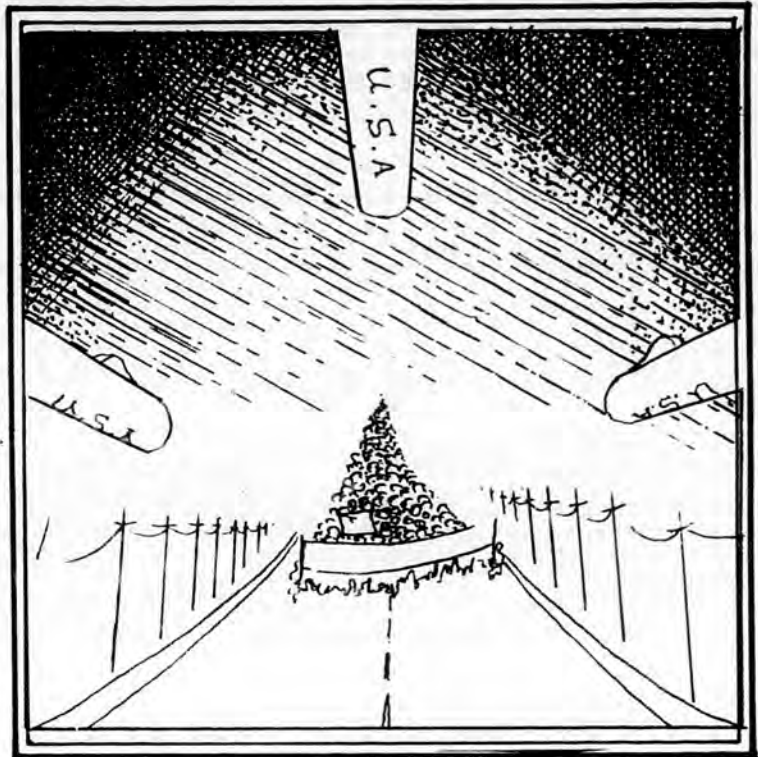
اگر حرکت هفده شهریور اصالت نداشت - اگر جوانان جان بر کف ما در سرچشمه و هر گوجه و برزن و هر پشت بام و بهشت زهرا - انقلابی نبودند و مرتجع بودند - امروزه جنبش انقلابی که در همان خط حرکت میکند اصالت ندارد و سرباز و پاسدار که با گلوله امریکا و اسرائیل کشته میشود مرتجع است.

پیام امام خمینی خط حرکت انقلاب را بوضوح ترسیم کرد - بخوبی پیداست که آرمانهایی که برای آن شهید دادیم هنوز با برجاست. نهضت هنوز ادامه دارد - بگذار سازشکاران بر قدرت و پای بر قدرت هر چه میخواهند بکنند. بگذار مرتجعین - مذبحخانه چوب لای چرخهای سنگین و پر قدرت انقلاب بگذارند - بگذار گمراهان و نفاق افکنان و فرصت طلبان و قریب خورده ها - باران فحش و نهضت بر سر رو روی توده های مبارز و نهضت انقلابی شان بریزند و بذریعین و بدبینی و نفاق بپاشند.

بگذار خودخواهان و قدرت طلبان - مستکبران جاه طلب - برای پیش افتادن برای ارضای هواهای شیطانی نفس - با سرنوشت انقلاب بازی کنند و با خون شهیدان معامله - اما نهضت مکتبی و جنبش انقلابی توده های راه خود ادامه میدهد و امام - این مرد خدا پرچم آرمانهای اصیل انقلاب را هم چنان برافراشته نگاه میدارد - شعار استقلال و آزادی و حکومت مستضعفان همچنان از حلقوم رسای امام در فضا پخش میشود و به سربازان و پاسداران و توده های محروم و صبور ما امید و نوید میدهد.

بسیار بسیار انقلابی که تلاش خود را تنها در تضعیف و محکومیت حاکمیت انقلاب و خط امام متمرکز ساخته اند و مدعی هستند که حاکمیت انقلاب ارتجاعی و عملکرد آن ارتجاعی و بریان خلق و منافع زحمتگشان میباشد و گارش همه ضد انقلابی و اقداماتش یکسره در خدمت منافع امپریالیسم بوده و هست. پس باین پرسش پاسخ دهند که این جنگ و گشتار - این توطئه ها و تبلیغات برای چیست؟ نکند آنرا یک جنگ زرگری می دانید! همانطور که اشغال لانه جاسوسی را هم گار خودشان! قلمداد کردید؟ چرا یکبار ارتجاع را دقیق تعریف نمی کنید؟ اگر چه منظور شما را همه کس میفهمد بهمین جهت کسی آنرا باور نمیکند زیرا اگر ارتجاع پایگاه امپریالیسم و مزدور و در خدمت

حال حاضر آنرا بروی صنایع و کمیانیهای غربی بسته است - او می بیند صرف نظر از مزدوران و دزدان و غارتگران بیت المال خیابانهای لندن و واشنگتن و پاریس از ایرانیهای پولدار خالی شده و صدها شرکت بزرگ تجاری و صنعتی ناچار ایران را ترک کرده اند - او می بیند که طی دو سال انقلاب کمیانیهای بزرگ سرمایه داری میلیاردها زیان دیده اند - او حوزه های نفتی خلیج فارس و کشورهای زیر نفوذ را در خطر می بیند بی دلیل نیست به تکاپو افتاده مفتیان را تحریک و جنگ حیدر نعمتی در خارج و داخل بر می افروزد - هم اکنون صف مقدم نبرد با امریکا را در جبهه عراق و در برابر کودتا چه کسانی جز پاسداران و سربازان و توده های مبارز



پر کرده اند، و در عوض چه کسانی شب و روز علیه این جبهه مردمی و انقلابی سمپاشی کرده اند.

چه کسانی اولین گلوله را بسوی فتودالها و خوانین نشانه رفتند - چه کسانی جانی ها را و وابستگان به سیارا بازداشت کردند؟ و چه کسانی از دهقانان در برابر مالکان دفاع میکنند لوله های تفنگ پاسداران بر روی سینه و مواضع خانها و فتودالها و میراشرفی ها نشانه رفته است.

در مقابل چه کسانی فتودالها و خانهای وابسته به سیا و ساواک را از چنگ پاسداران رها و آزاد کرده و میکنند؟ تشخیص خط امریکا و خط انقلاب دشوار نیست - چنان حقیقت بین و آزاد اندیش میخواهد. جنبش انقلابی که در خط امام حرکت میکند، مدافع دهقانان و کارگر و طرفدار واقعی شوراهاست، در تقسیم زمین شرکت میکند، با جبهه متحد ارتجاع، لیبرالیسم، و سرمایه داری و فرماندهان وابسته ارتش در تیریز می جنگند با جبهه متحد سرمایه داری و ارتجاع مذهبی در اصفهان می جنگند. لیبرالهای وابسته و خانهای وابسته و فتودالها را بازداشت و در ترکمن صحرا در کنار دهقانان علیه مالکان در سیستان بلوچستان علیه فتودالها - در فارس علیه خوانین و در کردستان علیه پالیزیان و اویسی و مزدوران عراقی - مشغول مبارزه است و در برابر خط امریکا از لیبرالهای وابسته و خان ها و سران و فرماندهان ارتش دفاع میکند آنرا آزاد میسازد تا بروند و توطئه کنند و یا از کشور فراری میدهد، از روحانیون و مدافع سرمایه داران وابسته و اصفهان، تبریز و مشهد و

است و اگر رهبری و حاکمیت انقلاب با مرتجعان است مردم حق دارند باین مدعیان ظنن شوند و آنرا راز خط امریکا بدانند - مگر نه اینست که امریکا انقلاب ایران را حکومت آخوندهای فاشیست و مرتجع میخواهد - در کاربگاتور یکی از روزنامه های آلمانی وابسته به محافل سرمایه داری انقلاب ایران را به داینا سور عظیم الجنای تشبیه کرده بود که با حرکت مقاومت ناپذیر خود - تمدن و آثار سرمایه داری جهانی را نابود میسازد و در گوشه های از تصویر صاحب تراستها و گارتلها را نگران در حال تماشای این غول عظیم نشان میداد - این یکی از هزاران تصویری است که دشمن از انقلاب و رهبر آن در ذهن دارد - آیا امریکا همان ضعفها را که ما می بینیم نمی بیند! ولی چرا بازم انقلاب و رهبر آن امام خمینی را بزرگترین تهدید نسبت به حیات و موجودیت خود میداند؟

امریکا از محتوا و جوهر این جنبش

بگذار هر دو جهان و قدرت طلبان - مستکبران جاه طلب - برای پیش بردن اهداف شیطانی نفس بسا سرنوشت انقلابی توده های مبارز معامله، اما نهضت مکتبی و جنبش انقلابی توده های مبارز ادامه میدهد

انقلابی بخوبی آگاه است - او می بیند ولی شما نمی بینید که نفت ایران بروی غرب بسته شده است و علیرغم خواست و تمایل لیبرالها - فشار انقلابی جنبش در

شما که در گوش خلق آیات یاس می خوانید و جز خسران وزیان، بدبختی و رنج و شکست برای انقلاب شمری نمی یابید، چشمانتان را باز کنید گروههای باصلاح

هر اندازه میخواهند اصالت انقلاب را نفی کنند خناسان و سوسه گر، آنان که هر روز و شب در هر گوجه و برزن و در گوش پیرو جوان، آیات یاس و بدبینی میخوانند و حقایق را دگرگون جلوه میدهند، و در قلوب نسل جوان و مردم رنج دیده ما تخم کینه و نفرت نسبت به انقلاب میکارند - آنان که از رادیوها و بلندگوهای امپریالیستی و ارتجاعی واز جرائد دست نشاندۀ مزدور خارجی یا نفاق افکنان داخلی هر لحظه اینطور زمره میکنند که در اصل انقلابی نبوده - چیزی عوض نشده، مثنی دزد و غارتگر رفته اند - گروهی مرتجع جای

محاصره نظامی و سیاسی آمریکا علیه انقلاب بر ضد کدام جریان داخلی است، یا بگوئید محاصره و دشمنی در کار نیست که شواهد خلاف آن است و یا باید نشان دهید که هدف آمریکا کدام خط و جریان در کشور است

آنان را گرفته اند و جز سیاهی و تباہی - جز شکست و اندوه نصیبی نبرده ایم - آری هر اندازه بر ضعف ها انگشت بگذارند و اصالت انقلاب را مخدوش کنند، اما آیا میتوانند این حقیقت عبریان را نادیده بگیرند که انقلاب در برابر بزرگترین قدرت اهریمنی جهان - از خود دفاع میکند - و جنگ و نبردی که دنباله نبرد هفده شهریور است همچنان ادامه دارد.

پاسداران جان بر کف و سربازان و افسران مؤمن و آماده برای جانبازی و فرزندان دلیر خلق قهرمان علیرغم توطئه های سران مزدور و وابسته و کودتاگر ارتش هم اکنون در جبهه غرب با گلوله کدام دشمن به شهادت می رسند؟ جز گلوله امپریالیسم امریکا - مزدوران اویسی و پالیزیان را چه کسی جز امریکا با سلاح و سازو برگ مجهز میکند و آموزش میدهد تا خانه و گاشانه دهقانان ما را به ویرانی کشند و انقلاب را از پای درآورند؟ رهبران فاشیست بعث عراق در خدمت کدام قدرت متجاوز و استعمارگر بر ضد انقلاب ایران به جنگی تمام عیار دست زده اند، رژیم ترکیه را چه قدرتی با یک کودتا بر ضد انقلاب ایران تثبیت کرد؟ ضیاء الحق برای چه به دیدن گارتز میروند و در خلیج فارس امریکای جهان خوار به چه منظور پایگاههایش را استوار و مجهز میسازد؟

تبلیغات جهانی و پیر قدرت امپریالیسم و صهیونیسم علیه کیست، صفحات جرائد وابسته به محافل سرمایه داری را در کلیه کشورهای استعماری یا دست نشاندۀ باز کنید و بخوانید به ادبوهای متعددی که بیست و چهار ساعت به تبلیغ دشمن پراکنی مشغولند گوش کنید - هدف تبلیغات زهرآگین آنها کیست - بددلان و نفاق افکنان کشور دلان نا آگاه نمی بینند که تنها و تنها انقلاب اسلامی و رهبر آن امام خمینی است که زیر شدیدترین و کثیف

قم، حمایت و تحلیل میکند. و همه نیروهای ضد انقلاب و در خط امریکارزیر پیرو بال حمایت خویش میگیرد.

محاصره نظامی و سیاسی امریکا علیه انقلاب بر ضد کدام جریان داخلی است - یا بگوئید محاصره و دشمنی در کار نیست که شواهد خلاف آن است و یا باید نشان دهید که هدف امریکا کدام خط و جریان در کشور است - میتوانی توطئه کودتا را انکار کنید؟ میتوانی وجود یک جریان قوی ضد انقلابی را که هم اکنون در ارتش و در خارج از آن بطور گسترده مشغول فعالیت است انکار کنید میتوانی کودتای ترکیه و فعل و انفعالات نظامی در خلیج و شدت سرکوب فلسطینی ها را در جنوب لبنان و توطئه در پاکستان را انکار کنید میتوانی آمادگی خانها را برای ساختن و گشودن جبهه تازه ای در نقاط دیگر ایران انکار کنید - میتوانی گسترش جنگ ضد انقلابی را به خوزستان انکار کنید؟ میتوانی وجود یک شبکه عظیم تبلیغاتی و شایعه سازی را در داخل کشور انکار کنید؟ شب نامه ها و بیانیه های ضد انقلاب همه دروغ اند؟ رادیوهای دشمن وجود خارجی ندارند؟ و سؤال ما از بدبینان اینست که هدف اصلی این توطئه ها و دشمنی ها کدام جریان داخلی است؟ دولت مردان لیبرال، گروهها و سازمانهای انقلابی! و مرقی؟! فتودالها و خوانین؟ سرمایه داران و مالکین؟ روحانیون خط ضد خمینی یا باصلاح مرتجعین مذهبی؟ صریح جواب دهید! فکر کنید آیا آنان با دشمن موهومی در جنگند، اگر شما نمی دانید و یا بعضی جاهل می کنید، دشمن و توطئه گران بخوبی میدانند با کدام جریان می جنگند. جنبش انقلابی ملت

مسلمان ایران و خط امام و رهبری امام، در این حقیقت کمترین تردیدی نیست. آنقدر روی عملکرد انقلاب با هدف نفی اصالت آن انگشت نگذارید. امریکا از جهت گیری و محتوای آن هراس دارد - عملکرد آن در کوتاه مدت اهمیت ندارد روزی که قریش سخت ترین دشمنی ها را با پیامبر عزیز ما میگرددند - همه جا ویرا در فشار و آزار شکنجه قرار می دهند و همه نوع اتهام بر وی می زنند و علیه او سمپاشی و تبلیغات می گردند و خاکستر بر سر و رویش می ریختند و یارانش را عذاب می دادند - آیا پیامبر و نهضت اسلامی وی کمترین ضربه ای تا امروز بر منافع اقتصادی و حتی سیادت سیاسی قریش وارد آورده بود؟ مسلمانان جز گروهی اندک از مستضعفان نبودند - اما قریش سخت با این جریان و با رهبر آن پیامبر خصوصیت می ورزید میدانید چرا؟ چون از محتوای آن اطلاع داشت، از جوهر آن می ترسید - آینده را می دید، جهت گیری جنبش انقلابی پیامبر رامی دید - و در این تشخیص حق با او بود.

امروز هم امریکا و همه قدرتهای

آمریکا با دولتهای بعد از انقلاب دشمن نبوده و نیست، امریکا با جوهر و محتوای انقلاب با توده های جان بر کف مسلمان و با رهبر آشتی ناپذیر و سرسخت آن دشمن است امریکا از جنبش انقلابی ملت مسلمان میترسد.

استعمارگر گاری به عملکرد فعلی انقلاب ایران ندارند - اگر چه در همین مدت کوتاه از ظهور آن بسیار زیان دیده اند - اما آنان از جهت گیری از محتوا و جوهر انقلابی و مکتبی آن سخت هراسان اند - این حقیقتی است که مفاصله از چشم بدبینان و کسانی که تحت تاثیر تبلیغات و جو مصنوعی قرار دارند - پنهان است. راستی چرا بسیاری از جوانان، روشنفکران مین ما از این حقایق بی اطلاعند و یا همه چیز را با عینک بدبینی و کج اندیشی می نگرند - آنان چنان بر

اتحاد نیروهای مؤمن بانقلاب ضرورت اجتناب ناپذیر مرحله کنونی است

بقیه در صفحه ۷

چه کسانی در پی مخدوش ساختن چهره نهضت ملی و دکتر مصدق برآمده اند؟

بقیه از صفحه ۱

خودش بررسی و ارزیابی شود - ارزشهای مثبت و تاریخ ساز دکتر مصدق را نادیده می گیرند، برای موجه کردن حملات خود آنرا در لباسی از مبارزه با ملی گرایی می پوشانند. و باز هم برای تأیید بیشتر مواضع نادرست خود به حملات امام خمینی به جریان ملی گرایی استناد می نمایند، در صورتیکه حرکت دکتر مصدق از لحاظ ماهیت و هدف با حرکت ملی گرایان در بیست سال

چهارم) دکتر مصدق با همان پشتوانه و در شرایط ذهنی جامعه در بسیج ملت ایران در مبارزه علیه شرکت سابق نفت به عنوان پایگاه اصلی استعمار انگلیس و نفی کننده استقلال ایران موفق گردید. نکته مورد بحث و مناقشه در اینستکه بعضی مدعی هستند چون انگیزه دکتر مصدق در مبارزه انگیزه های ملی بود و نه مذهبی، لذا نمی توانست اصالت داشته باشد و به نتیجه

مصدق در آن زمان به عنوان وجدان بیدار ملتی زیر سلطه و ضد استعمار شرق شناخته میشود - انتظارات ما از هر حرکت و نهضتی باید با شرایط آن دوره هماهنگ و متناسب باشد

اخبار تفاوت دارد و ما امیدواریم آندسته از نمایندگان مجلس یا اشخاص و گروهها و جریاناتی که تنها روی دشمنی با لیبرالیسم یا جریان انحرافی ملی گرایی، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران را بکلی غیرواصیل شمرده، آنرا نفی و بی اعتبار می سازند، این توضیح را با دقت مطالعه کنند و خطای خود را در قضاوت نست دعوی تصحیح نمایند.

آگاهان و دست درکاران مبارزه، تردید ندارند که جنبش مسلمانان مبارز خیلی زود و بوقع موضع گیری انحرافی ملی گرایان و جریانات لیبرالیستی را در انقلاب ایران افشا نموده و خطر آنرا نسبت به خط انقلاب و خطر رهبری از امام خمینی گوشزد کرد. * لکن همان زمان در یکی از مقالاتی که درباره لیبرالیسم در امت نگاشته شد، تفاوت بین جریانات مختلف لیبرالی و از جمله تفاوت اساسی بین حرکت ملی دکتر مصدق و جبهه ملی جدید و ملی گرایان دوره اخیر روشن شده بود.

اول) مهمترین تفاوت چشمگیر و بنیادی که خود ناشی از تفاوت شرایط عینی جامعه ایران در دهه ۲۰ تا ۳۰ و سالهای ۴۰ به بعد میباشد، این بود که جوهر حرکت دکتر مصدق ضد استعماری و ماهیت حرکت ملی گرایان و جبهه ملی جدید ضد استبدادی بود. دکتر مصدق دشمنی با استبداد را در چارچوب مبارزه ضد استعماری می دید و وابستگی ارگانیک بین ساخت استبداد سیاسی و سلطه استعماری را بخوبی و عمیقاً درک می کرد، در صورتیکه ملی گرایان و لیبرالهایی که جبهه ملی را بنا بر نظر نداشته استعماری انجام می دادند و در برابر شاه چشم به محافل لیبرالی امریکا و اروپا می دوختند.

دوم) تفاوت دوم در این بود که سرمایه داری ملی در زمان نهضت ملی وجود خارجی داشت و برای دفاع از موجودیت خود، در مبارزه ضد استعماری شرکت فعال داشت، در صورتیکه از دهه ۴۰ بعد که سلطه اقتصاد امپریالیستی کامل شد، سرمایه داری ملی بکلی از بین رفت و به وابستگی افتاد و به نفع انحصارات بین المللی میدان را خالی کرد.

سوم) دکتر مصدق از یک پشتوانه طولانی تاریخی مبارزه با استبداد و استعمار برخوردار بود. وی از آغاز حیات سیاسی خود در مبارزه جدی با استبداد رضاخانی و سلطه استعماری انگلستان و روسیه فرار گرفت و لذا شناخت عمیقی در رابطه با شرایط عینی و واقعیات سیاسی از عملکرد استعمار و نیروهای وابسته بدان بدست آورد. او که دوش بدوش مدرس، آن قهرمان مبارزه با استبداد و استعمار، در برابر رضاخان و سلطه انگلیسیها مقاومت می کرد، بعد از فرار رضاشاه در شرایط بحرانی سالهای بعد از شهریور ۲۰ که شوروی و انگلستان و امریکا، متفقین پیروز در جنگ علیه آلمان برای بلعیدن ایران و تسلط بر منابع ثروت و سیاست ایران با هم به رقابت برخاسته بودند و هر یک بر یکی از محافل سیاسی و جریانات و احزاب داخلی تکیه داشتند، خلاصه هر کدام ستون پنجم نیرومندی در اختیار داشتند، در آن لحظات حساس که نیروی ملت و منافع واقعی مردم در هیچجا نبود و ظهوری نداشت، دکتر مصدق با اعلام سیاست موازنه منفی - دنباله سیاست عدمی مدرس - با تهاجم استعماری دول خارجی بمقابله برخاست و از منافع و مصالح ملت ایران و استقلال سیاسی و اقتصادی کشور دفاع کرد.

برسد. در توضیح این مطلب باید نکات زیر را در نظر بگیریم: اولاً - در اینکه انگیزه ملی (با هر معنا و مفهوم) نسبت به انگیزه مذهبی (اسلامی و توحیدی) در یک مرتبه نازلی قرار دارد، و لذا از برد و کشش کمتری برخوردار بوده و غیرمکتبی و نارسا است، تردید نیست. ثانیاً - باید دید که دکتر مصدق انگیزه ملت و استقلال ملی را تحت چه شرایطی مطرح کرد و از آن چه برداشتی داشت. ملت در فرهنگ سیاسی نهضت ملی ایران در برابر استعمار بیگانه قرار داشت، نه در برابر مکتب و مذهب و این خطا با غلطی است که بعضی امروزه مرتکب می شوند. اگر امروز جریاناتی، ملی گرایی و ملت را در برابر مکتبی و مکتب و مذهب مطرح می کنند، انگیزه های انحرافی دارند، در صورتیکه آنروزها ملت ملی گرایی در برابر بیگانه و استعمار قرار می گرفت، نه مذهب. ثالثاً - آنروزها ملت از مذهب جدا نبود و مفهوم ملی، بمعنای جریانی در برابر مذهبی وجود خارجی نداشت. فرهنگ ملت فرهنگی اسلامی بود و به همین جهت در کلیه مبارزات ملی ضد استعماری علمای مذهبی مبارز شرکت فعال و پیشازانه داشتند، در صورتیکه اگر مبارزه ملی بعد، جوهر ضد مذهبی می داشت، کسانی چون مدرس و بعدها روحانیون نهضت ملی ایران در آن شرکت نمی جستند. این تفاوت و بیاضیت مربوط به ادوار بعد و بخصوص شرایط امروزی انقلاب ایران است، آنهم نه برای هر نوع برداشت یا گرایش ملی، بلکه آن نوع ملی گرایی که هدفش نفی کردن جوهر اسلامی انقلاب و نفی اصالت مکتب در برابر ملت است. رابعاً آنروزها اسلام بمعنای ایدئولوژی مبارزه و سلاح و مکتب راهنمای عمل هنوز مطرح نشده بود و اگر هم بود، بصورت موثری در صحنه سیاسی و در ایجاد توده های حضور عینی و ذهنی نداشت. فراموش نکنیم که در سالهای بعد از شهریور ۲۰ (به دلائی که مجال بحث آن در این مقاله نیست)، جریان فکری عمده در بین تحصیل کرده ها و روشنفکران، سوسیالیسم و مارکسیسم بود و مذهب با عبور از یک دوره فطرت (حکومت سیامرضاخانی) بصورت فعال و جذب کننده در بین جوانان مطرح نبود و اولین تلاشهای مذهبی بصورت جریانات و محافل کوچک - آموزشی و تفسیر قرآن، و انجمنها و سخنرانیهای مذهبی شروع شده بود. و وجود تک عناصر مبارز مذهبی از روحانیون و غیرروحانیون آنقدر نبود که یک جو سیاسی - مذهبی پدید آورد. تحصیل کرده های مسلمان بیشتر مذهب را جدا از سیاست و مبارزه طرح میکردند و تنها جریان تشکیلاتی مذهبی - سیاسی هم تحت تأثیر جو موجود، سوسیالیسم را با اسلام تلفیق می کرد و توحید را زیربنای آن قرار می داد. البته اگر عالم مذهبی برجسته یا مرجع تقلیدی، یک حرکت اصولی و قاطع علیه استعمار و استبداد آغاز می کرد، انگیزه های مذهبی که در اعماق قلب و ذهن مردم ریشه داشت، ظهور می کرد و فعال می گشت. اما آنروزها چنین مرجعی قیام نکرد. خامساً - دلیل دیگر بر عدم جدایی و بی عدم تناقض بین انگیزه های ملی و مذهبی در آنروزها این بود که بعدها که آیت الله کاشانی قیام کرد و دکتر مصدق در نهضت ملی قرار گرفت، هر دو در یک حرکت ادغام شدند و جدایی احساس نمی شد، کسی انگیزه ضد استعماری دکتر مصدق را با انگیزه های مذهبی در تضاد نمی دید، و اصولاً - در آن دوران انگیزه های مذهبی از انگیزه های ضد استعماری و ملی جدا نبود و در غالب شعارها و

گفته ها، مسئولیت مذهبی و نمونه های تاریخی مطرح بود و بسیاری مردم مبارزه را وظیفه دینی خود می شمرند. سادساً - آن دوره ها - طرح حکومت اسلامی چنانکه بعدها و در سالهای بعد از خرداد ۴۲ مطرح گردید مطرح نبود. تنها جریانی که صحبت از حکومت اسلامی می کرد، فدائیان اسلام بودند، جدا از اینکه آنان طرح و خط مشی حساب شده ای برای وصول بدان ارائه ندادند و بیشتر آنرا بصورت یک هدف و آرزو و ایده آل مطرح می نمودند. نکته مهم اینستکه این هدف بازتابی در حوزه و در بین علمای مذهبی نداشت و هیچکس از مراجع آنرا آشکارا تأیید و بازگو نکردند و برای وصول بدان برجم مبارزه برنیفراشتند آیت الله کاشانی هیچوقت صریحاً از چنین هدفی در آن شرایط سخن نگفت و همچنان روی مبارزه ضد استعماری پای می فشرد، لذا از دکتر مصدق چه انتظار که بجای طرح شعار مبارزه علیه استعمار و استبداد، شعار استقرار حکومت اسلامی را طرح کند. در دیدگاه مبارزان آن روز رسیدن به اهداف مکتبی، مستلزم از میان برداشتن موانع بزرگی چون حکومت استبدادی و سلطه استعماری بود. بنابراین طرح نشدن آن از جانب رهبری نهضت ملی نباید به عنوان یک ضعف استراتژیک مطرح شود. دکتر مصدق صریحاً هدف مبارزه خود را در آن مرحله محدود به رفع سلطه استعمار بیان کرد، اما او هرگز انگیزه های مکتبی دیگری را اگر وجود داشت نفی ننمود. چنانکه علاوه بر فدائیان اسلام، جمعیت آزادی مردم ایران هم با انگیزه های مذهبی، مبارزه می کرد. جمعیت بظاهر اسلامی دیگری که آنروزها فعالیت داشت، مجمع مسلمانان مجاهد بود که شمس قنات آبادی آنرا رهبری می کرد که عنصری کثیف و روحانی ناپسند و هیزه و مزدور دربار بود و ابتدا خود را به مردم کاشانی نزدیک ساخت و از موثرترین عوامل ایجاد تفرقه و اختلاف در صفوف نهضت ملی ایران و از عناصر شرکت کننده در توطئه های استعماری و درباری و از جمله کودتای ۲۸ مرداد ۴۲ بود.

پنجم - در ارزشیابی روی یک جریان با یک فرد، روش درست آنستکه کلیت آن جریان در نظر گرفته شود. بیرون کشیدن یک حرکت یا یک جز، از یک مجموعه و قضاوت بر روی آن روش درستی نیست. دکتر مصدق همانند همه رهبران سیاسی اشتباهات و ضعفهای متعددی داشت که ما خود در آن ایام ضمن حمایت جدی از وی و نهضت ملی بدان واقف بودیم، به هرگونه که موجب تضعیف او نشود، مطرح می ساختیم. اگر مصدق شخصیتی انقلابی، با معیارهای امروز و مکتبی نبود، ادعای آنرا هم

قابل قبول نبود. دکتر مصدق خود را نخست وزیر قانونی می شرد و در جو دیپلماسی آندوره بزرگ شده بود و با شاه و دربار بازی می کرد. درست است که مصدق به مشروطه سلطنتی وفادار بود، اما باید دید آنروزها مردم چه هدفی را دنبال می کردند و جامعه کشی چه نوع سازشهای داشت. ما هرگز بوسیدن دست ملکه دربار را تأیید نمی کنیم ولی معنای دکتر مصدق شخصی که آن احترامات ظاهری را به شاه می گذاشت، در مبارزه علیه استبداد و استعمار صمیمی تر از بسیاری به اصطلاح انقلابیون و نیروهای مترقی آن زمان بود. ضربی را که دکتر مصدق با همان شیوه های معمول به خود بر بیکر استبداد و استعمار زد، با سیاستها و عمل بزرگترین حزب ضد سلطنت زمان یعنی حزب توده مقایسه کنید کدام به ملت و نهضت ملی بیشتر خدمت کردند و برای استعمار خطرناکتر بودند؟

در این مقاله در صدد نقد ضعفها و قوت کار دکتر مصدق ننسبیم که مجال دیگری لازم دارد. اما بحث در اینستکه مسیود اهمیت این مبارزه را در رشد آگاهی مردم و قطع نفوذ استعمار و بی اعتبار کردن دربار و استبداد و در جنحی ملل زیر سلطه و مبارزه و قیام (چنانکه اثر آن در قیامهای استقلال طلبانه مراکش، تونس و الجزایر و بعداً مصر کاملاً مشهود و ثابت شد) است مصدق در آن زمان بعنوان

وجدان بیدار ملی در زیر سلطه و ضد استعمار شرق شناخته می شد. انتظارات ما از هر حرکت و نهضتی باید با شرایط آن روز هماهنگ و متناسب باشد. آیا با تکیه بر این واقعیت که مرحوم میرزای شیرازی بجای فتوی تحریم تنباکو فتوی خلق ناصرالدين شاه و فرمان استقرار حکومت اسلامی را صادر نکرد، او را سرزنش نمود و کار بزرگش را مخدوش و بی اعتبار کرد؟ آیا میتوان ارزش کار علمای مشروطه خواه نظیر آخوند ملا کاظم خراسانی، آیت الله نائینی و سید محمد طباطبائی را در از بین بردن حکومت استبدادی و باطل شمردن بنیان آن تنها به این دلیل که بجای آن فتوی جمهوری اسلامی را صادر نکردند، نادیده گرفت؟ آیا نباید به شرایط حاکم بر جو مذهبی و بر حوزه های دینی توجه داشت و آیا میشود وجود یا عدم مرجع و رهبر دینی نظیر امام خمینی را یکسان تلقی کرد؟ آیا میشود موضع گیری منفرد بعضی علمای دینی را نسبت به مبارزه و در تأیید وضع موجود نادیده گرفت؟ آیا نباید تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی در فاصله سالهای ۲۰ تا ۵۷ را در نظر داشت؟ آیا وضع فکری و روحی و اجتماعی مردم از آن زمان تاکنون ثابت مانده است؟ آیا شناخت جوانان از اسلام در آنروزها همان است که در ۱۵ سال اخیر حاصل گردید؟ آیا اقبال جوانان و روشنفکران به اسلام در آنروزها به شدت و درجه سالها بعد بوده است؟ آیا آنروزها کسی اسلام را به عنوان یک مکتب که مدعی حکومت است، در سطح جامعه و در وجدان جوانان و ملت مطرح کرده بود؟ هرچه بود، در محافل محدود مذهبی و علمی و حوزه بود. آیا تأثیر ولایت فقیه امام خمینی را در طرز تلقی مردم از مذهب و تائیری که

در ارزشیابی روی یک جریان یا یک فرد روش درست آنستکه کلیت آن جریان در نظر گرفته شود - بیرون کشیدن یک حرکت یا یک جزء از یک مجموعه و قضاوت بر روی آن روش درستی نیست

در ارزشیابی روی یک جریان یا یک فرد روش درست آنستکه کلیت آن جریان در نظر گرفته شود - بیرون کشیدن یک حرکت یا یک جزء از یک مجموعه و قضاوت بر روی آن روش درستی نیست

نداشت. وی قانون اساسی را سترگ مبارزه علیه استبداد کرده بود و این سابقه را در دفاع مشترک با مدرس از قانون اساسی مشروطه در برابر رضاخان داشت. و در آنروزها هم برای کوتاه کردن دست شاه و دربار از دخالت در امور بازمه در پشت همین قانون اساسی سترگ گرفت، و لذا از روی وفاداری به آن و اجبار در رعایت کامل قانون، نتوانست بطور قاطع در برابر دشمنان بایستد و آنرا قلع و قمع کند. او فاقد این بینش انقلابی بود، که وقتی میتواند وقتی قانون مانع و مقایر با منافع خلق است، باید آنرا تغییر دهد. البته مصدق از ابتدا نمی توانست قوانین را که خود وضع آن بود نقض کند، ولی با قیام ملت و کمک نیروی ایمان می توانست قاطعیت بیشتری در سرکوبی دشمن و توطئه ها بخرج دهد. با اینحال نادرست است که بدون قرار گرفتن در جو و شرایط آن روز دربار و وقتی بقضاوت بنشینیم. بعضی نحوه برخورد دکتر مصدق را در مراسم رسمی با شاه و دربار جزء نقاط ضعف اساسی وی قلمداد می کنند. آری اگر دکتر مصدق یک عالم مذهبی بود، با یک انقلابی ضد سلطنت، این حرکات از وی

و اسلام بکار می رود؟ در تاریخ چه بسیار شخصتها و حرکتیهای اصل اسلامی که بعد از آن، از نام و عنوان و حرکتشان علیه اسلام و منافع و مصالح مردم سو استفاده شده، اسلام در این رسیده معلوم ترین است. خلفای حور و ملاطین و حکام و خانها و سرامداران و روحانی نماها و ... چه حیانتها و رستیها که بنام اسلام و بنام پیامبر مرتکب شدند و هنوز هم در دنیا شاهد هستیم که مبنیهای وابسته و مزدور و شاهان دست سانده نام اسلام و بنام پیامبر علیه مصالح ملت و انقلاب اسلامی ایران سخن می گویند و سو استفاده می کنند.

اینکه بخنماران نام دکتر مصدق و از نهضت ملی، برای موجه کردن حرکت خیانت بارسی استفاده کرد. اینکه جنبه ملی خود را میراث دار نهضت ملی میداند و تحت نام دکتر مصدق حرکتی لیبرالی و

نباید اجازه داد منافقان و دشمنان

تاریخی نهضت ملی و همکاران

عوامل کودتای ۲۸ مرداد تحت

عنوان مبارزه با ملی گرایی

یکبار دیگر از مصدق و نهضت

ملی انتقام بگیرند.

انحرافی را می خواهد بخورد مردم بدهد، چه ربطی به دکتر مصدق دارد؟ اینکه بعضی امروز ملی گرایی را به عنوان عاملی در برابر مکتب و اسلام بکار می برند، نفی کننده اصالت کار دکتر مصدق نیست.

بگذارد نکته آخری را هم گوشزد کنیم. همانگونه که سو استفاده از ملی گراها و لیبرالهای وابسته ای چون بخنماران و نزبه و با عناصر غیروابسته از این جریان باعث مخدوش شدن حرکت اصل ضد استعماری دکتر مصدق شده و فرصت بدست بدخواهان و تفرقه اندازان داده است و نیز بعضی را دچار اشتباه کرده است، برخورد غیرواصولی و انحرافی با مساله ملت هم میتواند سرچشمه سو برداشتها و سو تهاجمات و تفرقه های تازه شود.

برای ما اصالت با مکتب است، زبرینا و راهنمای عمل مکتب است، مزرهای ما نیروهای عقیدتی است، اما پیامبر اسلام در هم در موقع تشکیل امت واحد در مدینه و عقد اخوت و برادری بین مسلمین، در عین حال که مزرهای قبایلی را از میان برداشت و مکتب و عقیده را عامل پیوند همه قرار داد، به ارزشها و فرهنگ قبایل احترام گذاشت و با توجه به شرایط موجود سعی نفرومود همه خصلتها و خصوصیات قومی آنان را از میان بردارد. از رسومات قومی و قبایلی هرچه با اسلام مغایرت داشت آزاد گذاشت. شیوه کار پیامبر باید رمتق زمامداران ما در برخورد با مساله ملت و قومیت باشد.

لگه دار کردن شخصتهایی که سرمایه تاریخ ملت مسلمان ما هستند، خدمت به اسلام و انقلاب نمی باشد. البته امروزه مبارزه جدی با جریان انحرافی ملی گرایی که از جانب امپریالیستها دامن زده میشود وظیفه هرانقلابی و مبارز مکتبی است، لکن انجام این وظیفه ملازم با کوبیدن دکتر مصدق و نهضت ملی ایران نمی باشد. نباید اجازه داد منافقان و دشمنان تاریخی نهضت ملی و همکاران عوامل کودتای ۲۸ مرداد تحت عنوان مبارزه با ملی گرایی یکبار دیگر از مصدق و نهضت ملی انتقام بگیرند تا زمینه نشو و نمای عناصر آلوده، وابسته و خود فروخته به دربار و استعمار و فرصت طلب مساعد گردد. این افراد با لوث کردن چهره دکتر مصدق و نهضت ملی ایران می کوشند تا حیانتها و انحرافات و سازشکاریهای آنان با دشمنان ملت و دربار و مزدوران استعمار در آن دوره از انظار پوشیده بماند و حتی وقاحت را بجائی برسانند که خیانت به ملت را خدمت تلقی کنند. اسناد و مدارک آن زمان هنوز گویای ماهیت و موضع عناصر مزبور میباشد. سو

استفاده از اختلاف آیت الله کاشانی و مصدق و برخورد فرصت طلبانه با آن و نپرداختن به ریشه های اختلاف و معرفی نکردن عوامل دست درکار، همه برای اهدافی است که با مصالح انقلاب اسلامی ایران سازگار نیست. نمایندگان مجلس نسبت به حفظ

فابود باد امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن، لیبرالیسم و ارتجاع

توسطه فتودالها و مرتجعین علیه طرح اصلاحات ارضی

خدمت اهالی محترم سبزوار و روستاها دام عمر هم

باطلاع آنان میرساند که راجع موضوع تقسیم اراضی در دهکدهها و محدوده شهر چون عمل مراکز که اجرا کننده مقررات است شاید بهیچوجه و از هیچ راه شک و شبهه ندارد که با فرموده شرع مقدس با این خصوصیات و در مجموع مطابقت ندارد و معلوم است که بهمین شرح با فرموده حضرت آقای آقا میرزا حسینعلی منتظری و حضرت آقای آقامیرزا علی مشکینی ادام... ظللها ومدقی عمرها و با شورای انقلاب که البته خلاف صریح شرع مقدس را نمیفرمایند نیز تطبیق نمیکند لذا روحانیت سبزوار از این نحوه اجراء شديداً نگران و از هیچ طریق مسئولیت مذهبی او را بعهدہ نگرفته و نمی پذیرد و با حفظ شرایط در صدد است که جدا جلوگیری از این عمل غیر اسلامی بنماید والسلام علیک ورحمة وبرکاتہ.

روحانیت سبزوار شورای طلاب و وعاظ متعهد سبزوار

بقیه از صفحه ۱
ننشسته و به شیوه های مختلف سد راه اجرای طرح شدند از جمله این توطئه ها جمع شدن اطراف روحانی نمایان مرتجع شهرستانها و گرفتن حمایت آنها جهت مبارزه با این طرح بود. که در این فتواها طرح غیر اسلامی معرفی شده و ضمناً برادران جان بر کف هیأت هفت نفری را که بدون هیچ چشم داشتی صادقانه به ارشاد و راهنمایی مردم جهت شناساندن ماهیت کثیف این زالوصفان مشغول بودند. فاقد صلاحیت معرفی میکنند در مواردی مارک غیر اسلامی بودن هم به آنها می چسانند. که بدون شک اینگونه عملکردهای ارتجاعی از جانب مرتجعین بخصوص آنان که به لباس روحانیت ملبس میباشند ضریبهای است بهمکتب و بهروحانیت سزوقی، اینک اعلامیه روحانیت سبزوار را که در حمایت از فتودالها و علیه عملکرد برادران هیأت ۷ نفری صادر شده میآوریم و باشد تا با افشای ماهیت ارتجاعی این روحانی نمایان واپسگرا گامی در جهت آگاهی توده روستایی و سایر هموطنان برداشته باشیم.
لازم بتذکر است که این اعلامیه در زمانی صادر میشود که عملکرد این برادران کاملاً مورد تأیید توده های محروم روستایی بوده و میباید.

خدمت اهالی محترم سبزوار و روستاها دام عمر هم

باطلاع آنان میرساند که راجع موضوع تقسیم اراضی در دهکدهها و محدوده شهر چون عمل مراکز که اجرا کننده مقررات است شاید بهیچوجه و از هیچ راه شک و شبهه ندارد که با فرموده شرع مقدس با این خصوصیات و در مجموع مطابقت ندارد و معلوم است که بهمین شرح با فرموده حضرت آقای آقا میرزا حسینعلی منتظری و حضرت آقای آقا میرزا علی مشکینی ادام... ظللها ومدقی عمرها و با شورای انقلاب که البته خلاف صریح شرع مقدس را نمیفرمایند نیز تطبیق نمیکند لذا روحانیت سبزوار از این نحوه اجراء شديداً نگران و از هیچ طریق مسئولیت مذهبی او را بعهدہ نگرفته و نمی پذیرد و با حفظ شرایط در صدد است که جدا جلوگیری از این عمل غیر اسلامی بنماید والسلام علیک ورحمة وبرکاتہ.
روحانیت سبزوار شورای طلاب و وعاظ متعهد سبزوار

کوره پزخانه ها و ج فقر و مشقت

کوره پزخانه فروزان اصفهان

کوره پزخانه، فروزان که در شمال شرقی اصفهان در زمینی بمساحت ۵۰ هکتار واقع است متعلق به دو برادر بنام ضیایی است تعداد کارگرانی که در این کوره پزخانه مشغول بکارند حدود ۲۰۰ نفرند که اکثر آنها اهل فریدن هستند که این تعداد در زمستان تقلیل می یابد چون عدهای فقط کارشان در ۶ ماه اول است و در ۶ ماه دوم کاری برای آنها نیست. همه این کارگران مردند و در میان آنان بچه های خردسال و بیبرمرد نیز مشاهده میشود. کمترین سن بچه هانزدیک به ده سال است و بپرمردها حدود شصت سال دارند البته بعلت شرایط سخت کاری آنها که حدود ۳۰ تا ۴۰ سال دارند نیز از لحاظ وضع جسمانی بیبرمرد میسرند تولید این کوره آجر معمولی است که روزانه ۵۰ هزار عدد به بازار عرضه و هر هزار عدد آن تا ۳۴۰۰ ریال بفروشد

سخت کوره استفاده میشود کارگران همگی با دست کار میکنند و هیچگونه ماشینی در

خسته و کوفته تازه اگر به مطبی مراجعه کنیم بعلت شلوغی نوبت ما نمیشود. آنها هیچ

قالب دارها که بیشترین تعداد را در کارگاه تشکیل می دهند، در محل کوره در اتاق هایی که بی شباهت به انبار نیست زندگی می کنند. در هر یک از این اتاق ها ده تا دوازده نفر بسر می برند.

این کوره وجود ندارد فقط یک عدد دستگاه نوار جهت انتقال آجر به کامیون وجود دارد.

شرایطی که کارگران در آن بکار مشغولند فوق العاده سخت است آنها روزانه ۱۴ ساعت در زیر آفتاب گرم و در میان گرد و خاک و نیز در قمبرها با گرمای بیش از ۴۰ درجه مشغول کارند و برای اینکه بتوانند بکار ادامه دهند به روی بدن خود

گونه وسیله بهداشتی در اختیار ندارند نه حمام نه توالت نه دستشوئی (یکی از کارگران میگفت اینجا فقط یک توالت دارد که آنهم جایش بر شده و نمی آیند خالی کنند و قابل استفاده نیست و بوی متعفن کثافات مارا ناراحت کرده است).
کارگران که همگی کارمزد هستند روزانه ۱۴ ساعت (۴ صبح تا ۶ بعد ازظهر) کار میکنند قالب دارها به ازای هر هزار خشت ۱۰۵ تومان دریافت میکنند جرخ کش ها به ازای هر هزار عدد آجری که به قمبر منتقل میکنند ۱۲ تومان و قمرز دارها بازاری هر هزار عدد آجر که بار میزنند ۷ تومان میگردند دود سته اخیر بطور دائمی در طول سال مشغول کارند مزد این کارگران مستقیماً بوسیله کارفرما و هر ۱۵ روز بیکار پرداخت میشود که در بعضی مواقع به علت اینکه کارفرما ادعا میکند پول ندارد) مزدشان به عقب می افتد کودگانی که در آنجا مشغولند روزانه ۵۰ تومان دریافت میکنند وقتی از بیبرمردی که در آنجا مشغول کار بود سؤال شد که چقدر مزد میگیری گفت حدود ۶۰ تومان. قالب دارها که بیشترین تعداد را در کارگاه تشکیل میدهند در محل خود کوره در اتاقهایی که بی شباهت به انبار نیست زندگی میکنند در هر یک از این اتاقها ده، دوازده نفر بسر میبرند کارگران ضمن کار فقط یکساعت برای استراحت و صرف غذا وقت دارند.
آنان از وضعیت و شرایط ناخوار کار شکایت داشتند آنان می گفتند اگر برق این محل قطع شود کار خوب نمیسوزد و تعداد زیادی آجر از بین میرود و در نتیجه ما هیچ دستمزدی در قبال آنها نداریم، دفترچه بیمه نداریم، ما هر یک هفت هشت سر عائله داریم و این دستمزدی که میگیریم بعلت گرانی کفاف مخارج زندگیمان را نمیدهد، ما نمیتوانیم میوه بخوریم در ماه شاید یکی دو بار گوشت بخوریم و... ما از جمهوری اسلامی انتظار داریم که به وضع زندگی مان رسیدگی کنند تا از این بدبختی نجات پیدا کنیم ما پشت سر رهبران امام خمینی و گوش فرمان او هستیم.



آب می باشند گاهی آنان دچار گرما زدگی میشوند اکثراً دارای بیماریهای پوستی و ربوی هستند و این ناشی از گرد و غبار و نیز گازهایی است که بعد از سوختن در کوره و قمبرها باقی میماند هنگامیکه با یکی از آنان مواجه میشوی مثل اینست که حمام خاک گرفته است آنها دارای هیچ وسیله ایمنی نیستند بکروز بعلت ریزش سقف یکی از قمبرها کارگران مشغول بکار در قمبر وحشت زده به بیرون آن فرار کرده بودند درحالیکه کارفرما اصلاً به آنها سرکشی نکرده بود که بیبرمرد حالشان چطور است آیا آسیبی ندیده اند؟ کارفرما هیچگونه تعهدی نسبت به ضایعاتی که به کارگران در حین کار میرسد ندارد یکی از آنها میگفت ما اصلاً نمیتوانیم به بزرگ مراجعه کنیم چون روزها تا ساعت ۶ بعد از ظهر اینجا هستیم و بعد

میرسد روند کار در این محل بصورت زیر است: دستهای از کارگران خاک را آخوره میکنند (آب زده می خسانند) و دسته دوم قالب گیری میکنند این دسته روزانه سیصد هزار خشت میزنند دسته سوم خشت های خشک را از انبار (میدانهای وسیع محل کار قالب دارها) به قمبر منتقل کرده بصورتی منظم رویهم می چینند (ایندسته را جرخ کش میگویند) در هر قمبر ۲۵ هزار آجر جا میگیرد (یک کوره دارای چند قمبر است) دسته چهارم قمرزدار هستند که آجرها را به کامیونها منتقل میکنند (روزانه ۵۰ هزار عدد). این کوره قبل از انقلاب بوسیله نفت سیاه کار میکرد ولی بعد از انقلاب از گاز مایع که از خوزستان تا مین میگردد جهت

گسسته باد قیود فقر و محرومیت از دست و پسی زحمتگشان

آقایان سکوت خود را ببرکت انقلاب شکسته اند

خط امام خمینی، خط مرجعیت اصیل اسلام، از سالها پیش با افراد بسیاری که در زمینه مسائل فقهی دارای افکاری بودند که نهایتاً تأیید سرمایه داری و خان بازی بوده است، درگیری داشته است. سخن آن مرجع معروف که پس از تصویب لایحه زمین در شورای انقلاب خدمت امام رسید و در یک مصاحبه گفته بود ما در ۱۵ خرداد برای دو چیز قیام کردیم، یکی در رابطه با شرکت زنان در انتخابات و دیگری مسئله زمین و اصلاحات ارضی، یک نمونه بارز این افکار واپس گراست که در مقابل خط امام خمینی قرار دارد.
هرچند بعضی از این افراد با سکوت تأیید آمیز خود، فعلاً از امام خمینی دفاع می کنند یا در مقابل ایشان نمی ایستند، اما خوب است ملت ما بدانند این سکوت دلیل بر یگانگی و وحدت فکری ایشان با امام نیست. ملت ما باید خط این افراد را از خط روحانیت اصیل و مبارز جدا ساخته و تشخیص دهند که آنکه برآستی خط امام را در تمامی زمینه های سیاسی، اقتصادی و فقهی میروند کیست؟ آیا آنان که باز مالکیت های بزرگ با مالکین دفاع

Handwritten text and signatures, likely a collection of letters or a document related to the article. Includes names like 'محمد رضا الموسوی الکلبایگانی' and 'بیست و دوم رمضان المبارک ۱۴۰۰'.

برای مقابله با امپریالیسم شوراهای تقویت و در کارخانجات هسته های مقاومت مسلح به جود اورید

ریشه‌های وابستگی اقتصادی به بیگانگان را

قطع کنیم

گزارشی از کارخانه پلی‌اکریل اصفهان

پیروزی مرحله‌ای انقلاب و قطع سلطه سیاسی امپریالیسم بر ایران، قدمی در جهت قطع تمامی آثار وابستگی به آن بود و ضرورت داشت تا قطع تمامی این وابستگی‌ها انقلاب در انقلاب ادامه پیدا میکرد ولی حاکمیت سازشکاران و فرصت طلبان و سرمایه داران خوانین بر مسند امور خواست‌های انقلابی و بحق توده‌های مسلمان را برآورده نکرده و سنگ اندازی‌های فراوانی را در

علاوه بر وابستگی مواد اولیه و وسایل یدکی به آمریکا و اروپا در مورد این شرکت، وابستگی فنی زیادی به شرکت دوپانت آمریکائی وجود داشت. بطوریکه مسئولین امور کارخانه با روبرو شدن با یک مسئله شخصی فنی، مشکل را از طریق تماس با آزمایشگاههای دوپانت در آمریکا و از طریق متخصصین امریکائی حل نکردند و در نهایت سعی شان براین بود

با توجه به نقش حساسی که این کارخانه در جهت کسب استقلال اقتصادی و قطع وابستگی کشور از امپریالیستها دارد و جهت کسب حاکمیت کارکنان بر سرنوشتشان انتخاب افرادی آگاه با پیش منتهی و انقلابی جهت تشکیل یک شورای اسلامی برای دوره سوم ضرورت تام دارد

حرکت ضد امپریالیستی خلق از طرف دولتمردان و مسئولین امر شاهد بودیم. مردم در برابر امور فوق در یافتند که تنها با قدم نهادن در مسیر مبارزه با پانگاههای امپریالیسم میتوانند به آزادی خویش دست یابند و در این راه اولویت با قطع وابستگی اقتصادی و رشد صنایع مادر و توجه به مراکز که میتوانند ما را در این جهت یاری دهند و سپردن امور به دست شوراهای اسلامی - مردمی و حاکمیت بخشیدن به اینها و خلق بد از

که وابستگی را حفظ کنند و هیچ نوع زمینه تحقیقاتی و رشد برای کارکنان ایرانی در کارخانه وجود نیاورند. بلکه از خلایق و بکار گیری استعدادهاشان جلوگیری بعمل می‌آوردند. و لذا یک حالت عدم اعتماد بنفس در کارکنان بوجود آورده رشد دادند. تمام این برنامه‌ها توسط مدیریت اجرا و پیاده میشد بطوریکه میتوان گفت مدیریت صد در صد امریکائی وجود داشته و اعمال نفوذ میکردند. البته این شیوه را به سرپرست‌ها و رده‌های پائین تر هم آموزش داده از آنان میخواستند اینگونه رفتار کنند.

جران انقلاب و پیروزی مرحله‌ای آن، امکان ادامه حضور خارجیا را از آنان سلب کرد و مجبور به ترک ایران شدند. اما با خارج شدن آنها طرز تفکر و شیوه رفتارشان خارج نشد و عملاً همان سیستم توسط مدیران ایرانی با پیش امپریالیستی حفظ شده و ادامه یافت. اثرات این طرز تفکر از همان اوایل که کارگران و کارکنان تلاش بی گیر خود را جهت راه اندازی کارخانه شروع کردند بخوبی قابل مشاهده بود. ولی علیرغم همه اینها بر اثر کوشش و جدیت کارگران و کارکنان راه اندازی کارخانه صورت گرفت.

متأسفانه شورای کارخانه بر اثر عدم برخورداری از یک پیش منتهی - انقلابی نتوانست با مسئله مدیریت برخوردی قاطع و حساب شده داشته باشد و تنها به بعضی خواسته‌های اولیه کارگران جامه عمل پوشاند ولی با مسائل اساسی و سرنوشت ساز برخوردی جدی نداشت و بجای آنکه به توده کارکنان بطرف مدیریت متمایل گشت. لذا بر اثر این مسامحه کاریها و برخوردی محافظه کارانه، هنوز همان

هنوز اقدام مؤثری در زمینه خرد کردن سواد اولیه صورت نگرفته و همچنان این مواد از کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن خریداری میگردد

شوراهای فرمایشی بی محتوی است.

یکی از این مراکز کارخانه پلی‌اکریل اصفهان میباشد. (خصوصیات آن در امت شماره ۶۷ آمد.) که در جهت قطع وابستگی صنایع نساجی کشور سهم بسزائی دارد. زیرا قادر است بیش از نیمی از احتیاجات نخ مصنوعی کارخانجات نساجی کشور را تأمین نماید. (فعلاً کارخانجات نساجی کشور در ماه حدود هزار تن استیل اکریلیک - احتیاج دارند که این کارخانه حدود ۷۰۰ - ۶۰۰ تن قادر است تولید کند.)

مشکلات کارگران شرکت استیو دورینگ

این شرکت بیش از ۳۵۰۰ الی ۴۰۰۰ نفر کارگر دارد. کارگران عمده اداره بندر را تشکیل میدهند چرا که کار آنان تخلیه و بارگیری کالا میباشد. اگر بگذشته این کارگران در رژیم طاغوت نگاهی کوتاه بیندازیم میبینیم که این کارگران بدست کارفرمایان و بیمانکاران زانو



صفت استثمار شده با توجه بکار خیلی مشکلشان هیچگونه پشتوانه رفاهی و تأمین مادی نداشته و ندارند، بنحوی رحمانهای استثمار میشوند. بعد از شکست شاه و پیروزی انقلاب

اسلامی به رهبری امام خمینی کارگران بیش از همه خوشحال بودند چرا که آنان تمام آرزوها و ایده‌آل‌های خود را در حکومت جمهوری اسلامی جستجو میکردند، آنها فکر میکردند با پیروزی انقلاب اسلامی دست این بیمانکاران و کارفرمایان و سرمایه‌داران از سر آنها قطع خواهد شد، فقر را حس کرده بودند و عامل فقر را در سرمایه داری و انحصارطلبی عده ای از افراد وابسته به رژیم دیده، کینه شدیدی از این زانو صفیان در دل داشتند.

حقوق کارگران شرکت استیو دورینگ چه در زمان طاغوت و چه بعد از انقلاب در تاریخ مشخصی پرداخت نمیشده، همیشه ۱۵ یا ۳۰ روز عقب تر داده میشد، این مسئله برای کارگرانی که هرکدام دارای زن و فرزند میباشد قابل توجه نیست البته بعد از انقلاب حقوق کارگران اضافه گردیده و آنها با روحیایی قوی تر از گذشته بخاطر ایمان به رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی و بخاطر بحرت درآوردن چرخ اقتصادی مملکت زحمت میکشیدند.

آمریکاروابط خود را با متحدینش

تحکیم میبخشد

اقدام کند. خبرگزاری فرانسه

سه ناو جنگی آمریکا، هفتم مه‌ماه آینده برای دیداری دوستانه وارد آبهای مراکش خواهند شد. این خبرگزاری می‌افزاید در مراسمی به این مناسبت، افسران امریکائی، اعضاء سفارت آمریکا در مراکش و همچنین عده‌ای از مقامات این کشور شرکت دارند.

آوسیتد پرس
منابع آگاه در واشنگتن گفتند که قرار است بزودی ملاقاتی بین جیمی کارتر رئیس جمهوری آمریکا و زینال ضیا الحق رئیس جمهوری پاکستان صورت گیرد. این منابع گفتند که انتظار میرود ملاقات مذکور در سوم یا چهارم اکتبر در کاخ سفید انجام گیرد. این منابع افزودند که رئیس‌جمهوری پاکستان از کارتر درخواست خواهد کرد که آمریکا جدیدترین نوع هواپیماهای جنگی را در اختیار پاکستان قرار دهد. پاکستان در سال مالی جدید که ۳۰ سپتامبر پایان می‌یابد بین ۳۵ تا ۳۸ میلیون دلار اسلحه از آمریکا خریداری کرده است.

آوسیتد پرس
یک هیئت از مقامات وزارت انرژی آمریکا هفته آینده برای گفتگو پیرامون تأمین نفت مورد نیاز اسرائیل عازم تل‌آویو خواهد شد. بر اساس قرارداد کپ دیوید، آمریکا تأمین نفت مورد نیاز رژیم اشغالگر قدس را در مواقع اضطراری تضمین کرده است. آمریکا تاکنون از پذیرفتن اضطراری بودن شرایط که توسط مقامات تل‌آویو عنوان شده، خودداری کرده است. اسرائیل از هیچ منبعی نتواند نفت مورد نیاز خود را تأمین کند، آنوقت شرایط اضطراری بوجود خواهد آمد.

بقیه از صفحه ۱۱
جیش پولیساریو...
آزادی بیش از ۳۰ تن از زندانیان سیاسی، غیرنظامی شدن خدمات عمومی و حق اعتصاب برای کارکنان دولت در مقابل آزادی گروهانهای خود شدند. از سوی دیگر شهر سان‌سالوادور در یک حالت هیجان‌زده قرار دارد و سربازان در خیابانهای شهر گشت می‌دهند. در سال جاری بر اثر اعتصابات سیاسی در السالوادور تاکنون ۲۰۰۰ نفر کشته شده‌اند.

آوسیتد پرس
زینال کنگان اورن فرمانده کودتای نظامی ترکیه اعلام کرد، شورای امنیت ملی ترکیه سؤال ما از دولت و ارگانهای وابسته بدان این است که چه عواملی باعث میشوند که حقوق کارگران بوضع پرداخت نشود؟ چرا فکر اساسی و ریشهای برای این شرکت و کل اداره بندر نمیکند؟ شما که از لحاظ ضربه پذیری این منطقه چه بوسیله عوامل داخلی و خارجی وابسته به شیطان بزرگ (امریکای جنایتکار) اطلاع کافی دارید، چرا قبل از بوجود آمدن خطراتی بزرگتر فکر اساسی نمیکند؟ ما هشدار میدهم که ریشه این نارسائیه وجود بیمانکاران و کارفرمایان است وجود سرمایه‌داران است، اگر پاکسازی بوضع و انقلابی در سطح اداره بندر صورت نگیرد و



خبرگزاریها
مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا با ۳۵۱ رای موافق در برابر ۴۲ رای مخالف لایحه بودجه بی سابقه ۱۵۷ میلیارد دلاری نظامی این کشور را تصویب نمود و برای تأیید به مجلس سنای آمریکا فرستاد. مجلس حمایت خود را نیز از توسعه تسلیحات گازی فلج‌کننده اعصاب تأیید نمود و همچنین با افزایش یکصد میلیون دلار برای استخدام افراد بسیار ورزیده در قوای مسلح داوطلب نیز موافقت کرد.

یونایتد پرس
دولت آمریکا برای سالهای مالی ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ مبلغی به میزان ۱۰۶ میلیون دلار کمک اقتصادی و نظامی در اختیار سومالی قرار می‌دهد. ۴۱ میلیون دلار از این کمک مستقیماً در ارتباط با موافقتنامه آمریکا و سومالی مبنی بر استفاده آمریکا از پایگاه‌های این کشور می‌باشد. خود آمریکا مدعی است که استفاده از پایگاههای مزبور بمنظور جلوگیری از تهاجمات و ماجراجویی‌های روسیه در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس میباشد، حال آنکه تردیدی در این نیست که عمده‌ترین هدف آمریکا از دستیابی به پایگاههای سومالی سرکوبی جنبش‌های آزادیبخش منطقه که تهدیدکننده صنایع وی در خلیج فارس و اقیانوس هند است میباشد.

خبرگزاریها
از منابع ژاپنی در توکیو کسب اطلاع شد این کشور و ایالات متحده توافق کردند در صورت عملیات اضطراری مشترکاً از تجهیزات نظامی دو کشور استفاده کنند. این موافقتنامه در اوایل ماه مسیحی جاری در واشنگتن میان یوناکاوا، مسئول وزارت دفاع ژاپن و مقامات رسمی وزارت دفاع آمریکا منعقد شد.

آوسیتد پرس
زینال کنگان اورن فرمانده کودتای نظامی ترکیه اعلام کرد، شورای امنیت ملی ترکیه سؤال ما از دولت و ارگانهای وابسته بدان این است که چه عواملی باعث میشوند که حقوق کارگران بوضع پرداخت نشود؟ چرا فکر اساسی و ریشهای برای این شرکت و کل اداره بندر نمیکند؟ شما که از لحاظ ضربه پذیری این منطقه چه بوسیله عوامل داخلی و خارجی وابسته به شیطان بزرگ (امریکای جنایتکار) اطلاع کافی دارید، چرا قبل از بوجود آمدن خطراتی بزرگتر فکر اساسی نمیکند؟ ما هشدار میدهم که ریشه این نارسائیه وجود بیمانکاران و کارفرمایان است وجود سرمایه‌داران است، اگر پاکسازی بوضع و انقلابی در سطح اداره بندر صورت نگیرد و

کارگران فقر را حس کرده بودند و عامل فقر را در سرمایه‌داری و انحصارطلبی عده‌ای از افراد وابسته به رژیم دیده - کینه شدیدی از این زانو صفیان در دل داشتند

خواستار کارگران بیشتر در مورد مشخص شدن وضع استخدامی آنان میباشد (کارگران خواستار این هستند که زیر پوشش دولت قرار بگیرند.) همچنین پرداخت بوضع حقوق.

شیوه‌ها اعمال میشود و تغییر و تحول اساسی در سیستم اداره و مناسبات کارخانه صورت نگرفته است. هنوز اقدام مؤثری در زمینه خرید مواد اولیه صورت نگرفته و همچنان این مواد از کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن خریداری میگردد. هنوز کنترل فروش و توزیع محصولات زیر نظر مدیریت انجام میگردد. هنوز قدمی در راه فعال کردن نیروها و بکار گیری استعدادها بر نداشته نشده. هنوز فکری برای محوری‌ترین مسئله کارخانه یعنی مدیریت آن نشده. هنوز پاکسازی در سطح کارخانه انجام نشده و هنوز...

با توجه به نقش حساسی که این کارخانه در جهت کسب استقلال اقتصادی و قطع وابستگی کشور از امپریالیستها دارد و جهت کسب حاکمیت کارکنان بر سرنوشتشان، انتخاب افرادی آگاه با پیش منتهی و انقلابی جهت تشکیل یک شورای اسلامی برای دوره سوم ضرورت تام دارد. تا این شورا با نظارت کامل بر امر تهیه مواد اولیه بتواند نقش خود را در جهت قطع وابستگی از کشورهای امپریالیستی ایفا نماید. تا بتواند تغییری بنیادی در سیستم مدیریت ایجاد کند. تا قادر باشد در جهت رشد استعدادها و خلایق کارگران بکوشد. و در امر حفاظت و اداره کارخانه و بالا بردن سطح تولید موفق شود. تا بتواند با آنکه به کارگران و کارکنان و حمایت آنان، به معنای واقعی کلمه به حاکمیت آنان بر سرنوشتشان تحقق عینی بخشد. و با برقراری رابطه با سایر شوراهای مکتبی - انقلابی در کارخانجات کشور و باری و همکاری آنان، صف متحد و توانمندی را ایجاد کرده در مقابل فشارها و تهدیدها پایدار مانده، در جهت ایجاد نظام شورائی در سطح کشور گامهای مؤثری بردارد. زیرا تنها از این طریق حاکمیت خلق در برابر امپریالیسم تثبیت شده، پایدار میماند. و نیرو حرکت بسوی تحقق جامعه بی طبقه توحیدی امکان پذیر است.

مبارزه با امپریالیسم تنها از طریق تشکیل شوراهای اسلامی امکان‌پذیر است

برای مقابله با امپریالیسم از مالکان خلع ید و دهقانان را مسلح سازید

سخنی با معلمین پرورش دهندگان جسم و جان نونهالان و نوجوانان نسل انقلاب

بنام خدا

"هو الذی بعث فی الامم رسولاً منہم یتلو علیہم آیاتہ و یرکبہم ویعلمہم الکتب والحکمہ و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.

انقلاب خوببار خلق مسلمان ایران به رهبری امام خمینی، می‌رود تا دومین سال پیروزی خود را پشت سرگذارد. هنوز فریاد شهیدان گلگون گفن هفده شهریور، محرم و رمضان و دانشگاه و کوی و بزرگ، طنین انداز فضای جامعه ماست. فریادی که هرگز با گلوله‌های امریکائی رژیم خاموش نگردد، بلکه برای همیشه تاریخ در صحنه و صفحه روزگار نقش بست و یادآور جنایات امپریالیسم و رژیم سرسپرداش، و همچنین یادآور دلاوریها و جانبازیهای ملت قهرمان و مبارز ما شد.

و اینک خونی که برای باروری نهال های جان گرفته انقلاب جاری گشت می‌جوشد تا تداوم و استمرار انقلاب در جان و تن همه نونهالان و نوجوانان و جوانان این دیار خون و شهادت و پیام، بارور گردد. و این باروری را پیام آورانی و یادآورانی می‌باید که چنین رسالت عظیم را تحمل کنند. پیام آورانی که پاسدار خون هفتاد هزار شهید بخون خفته باشند و باید که کلام جاودان شهیدان را که، استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی بود در عمق جان فرزندان پاک و عزیزمان جای دهند. روی سخنان با معلمین و مربیان آموزش و تعلیم و تربیت و تزکیه فرزندان انقلاب است. جای آن دارد که در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید، به برادران و خواهران معلم که متعهدانه و مسئولانه رسالت عظیم خویش را دریافته و میروند تا بذریع شوقاقتی و رشد و باروری را در ضمیر فرزندان انقلاب بنشانند و پاسداری از دست آوردهای انقلاب را با جان و نشان عجب سازند، میروند تا این گورهای پاک را به بینش و فرهنگ و تاریخ و اخلاق پویای اسلام بپاریند و بالاخره میروند تا سطح آگاهی و شور و شاخت آنان را افزون کنند، تذکراتی چند را یادآور می‌شویم:

۱- در این مرحله خطیر و حساس انقلاب، که از یکسو توطئه‌های امپریالیسم امریکا و متحدان آن و کشورهای مرتجع منطقه چون عراق، پاکستان، ترکیه، عربستان و عمان بصورت زنجیرهای تنگ و محدودکننده، و ضدانقلاب داخلی اعم از سرمایه‌داران و فئودالها و خوانین محلی و ساواکیها و سران فراری ارتش و عواملی نظیر پالیزیبان و اویسی و بختیار، هر روز گسترش یافته و انقلاب را آماج حملات خود قرار داده‌اند، و از سوی دیگر جناحهای مختلف داخلی درصدد کسب کرسیهای بیشتر قدرت و بدست آوردن غنیمت افزون تر از خون گسترده انقلاب می‌باشند، رسالت شما عزیزان پیام آور انقلاب، ایجاب می‌کند، تا هرچه بیشتر به انسجام فکری- اخلاقی- سیاسی فرزندان انقلاب حول محور شعارهای اصلی انقلاب، و برای حمایت از حاکمیت و موجودیت انقلاب در مقابل امپریالیسم بپردازید. لذا وظیفه شما برادران و خواهران متعهد شناساندن انقلاب و ماهیت و جوهر مکتبی و ضد امپریالیستی آن و شناساندن توطئه‌های دشمن انقلاب، امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب داخلی میباشد.

پیام دانش آموزان هوادار جنبش مسلمانان

بقیه از صفحه ۱
قابل جراتی ببار خواهد آورد. ما دانش آموزان هوادار جنبش مسلمانان مبارز بر اساس محتوی بیانیهای که در تاریخ ۵۹/۶/۲۶ خطاب به شاخوآهران و برادران منتشر ساختیم، در شرایط کنونی که حلقه‌های محاصره اقتصادی، نظامی، سیاسی امپریالیسم امریکا و ایادی و مزدوران ضدانقلابی آن تنگتر میشود، هرگونه اقدام و عمل و اغتشاشی را که مورد بهرم برداری ضدانقلابی دشمن داخلی و خارجی انقلاب گردد، بشدت محکوم می‌نمائیم. ما خود ضمن آنکه به انتقاد و افشاگری از عملکردهای غیرانقلابی مسئولین امور سخت معتقدیم، اما هرگونه اقدامی را که حاکمیت انقلاب را رویاروی ضدانقلاب و

نمایندگان مجلس درباره سرنوشت گروگانها چه میگویند؟

بقیه از صفحه ۱

مصاحبه با رضا رمضان نماینده رشت

سؤال: نظرتان در باره بحثی که در مجلس مطرح است و برخورد مجلس با این مسئله، چیست؟

رضا رمضان نماینده رشت: جواب: مجلس از روحیه سرشار ضد امپریالیستی برخوردار است و در مجلس اشاره رفت به این مسئله که ما مبارزیمان با امریکا یک جریان است و چیزی نیست که به این سادگی تمام بشود و از این نظر مسئله جاسوسها را نباید به عنوان یک موضوعی که بگوئیم اگر امریکا دست از سر ما بردارد، تلقی کرد. بلکه اینست که باید پذیرفت امریکا سر جنگ و توطئه و آشوب را رها نخواهد کرد و قوت نهضت ما در اینست. مجلس یک هیئتی را مامور اینکار خواهد کرد، منتهی هنوز وارد کم و کیف مسئله نشده، ولی هیئتی را مامور خواهد کرد و اینکه چه تصمیمی بگیرند در مجلس بحث خواهد شد.

سؤال: در رابطه با این جاسوسها به نظر شما چه اقداماتی باید انجام داد؟

جواب: مجلس یک کمیسیونی را مطرح کرده ولی کلاً ما بقاء انقلابمان در مبارزه با امریکا است اگر این مبارزه افت کند قدم بقدم امپریالیسم جلو میآید الان در منطقه امریکا اگر مجبور نبود دست به خفکان به این شکل نمیزد و اخبار جسته و گریخته از عربستان و عراق حکایت از حرکتهای مردمی در این کشورها می‌کند، پیشاپیش این حرکتها انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، ما رسالت تاریخی داریم. ما تنها حکومت کردن برایمان مطرح نیست. همه‌ی خواهیم انقلاب را حفظ کنیم. در سطح جهانی هم از طریق دولتها با امپریالیسم نمی‌شود مبارزه کرد بلکه بیشتر ملتها درگیر هستند چون امریکا ملتها را در بند کشیده، وقتی اینطور است ما باید جبهه مردم را بگیریم، مردم جهان انقلاب ایران را بعنوان یک انقلاب اسلامی و الهام بخش قبول دارند از این نظر جریان گروگانها نباید به تند و تیزی مبارزه ضد امپریالیستی ضربه بزند و اگر محاکمه نکردیم و خواستند اقدام دیگری انجام بدهند باید جهش مبارزه با امپریالیسم باشد. از این نظر نباید با گروگانها از یک رابطه سازش و نرمش و امید بستن به نرمش از طرف امریکا رفتار کرد بلکه باید با گروگانها برخورد قاطع انقلابی بکنیم و اگر صلاح بود باید محاکمه کنیم و اگر یزوری گفتند امریکا می‌خواهد امتیازاتی بدهد و ما از این مطمئن بشویم، نباید با پس دادن گروگانها اینطور فکر کنیم که کار تمام شده.

سؤال: اینکه شما می‌گوئید اگر صلاح بدانیم محاکمه میکنیم، فکر میکنید در چه صوتی صلاح نیست آنها را محاکمه کرد؟

عده نظر من به این کمیسیون است که مجلس انتخاب میکند چون همه جانبه باید مسئله را رسیدگی کند و اگر کمیسیون نظرش این بود که باید محاکمه بشود خوب باید محاکمه بشود و منظور من از صلاح این است که بنظر من اینها جاسوسند و اسلام هم در مورد جاسوس نظری دارد و برخورد ما با آنها باید بعنوان یک کافر حربی باشد.

سؤال: ولی در خارج از مجلس شایعاتی در این مورد مطرح است؟

جواب: بنظر من در خارج از مجلس شایعه وجود دارد ولی ما نباید تحت تاثیر این شایعات قرار بگیریم، آنچه مسلم است روحیه ضد امپریالیستی مجلس قویست و امام هم خط مشحمی را مطرح کردند که جامعه ما هم بنا به رهنمود امام انتخاب خواهد کرد با بودن همچون رهنمودی سازگارترین سازشکارها هم نمی‌توانند نظر خود را اعمال کنند.

سؤال: آیا مقاومت سازمان داده شده‌ای در مقابل این جریان در مجلس وجود دارد یا نه؟

راه نجات ایران یک خط سوم است که نکات مثبت این دو جناح را قبول کند و نقاط منفی را افشاگری کند و بایاد این خط چه در بیرون و چه داخل مجلس بوجود آید.

مصاحبه با محمد میلانی نماینده تبریز

سؤال: نظرتان درباره بحثی که در مجلس مطرح است و برخورد مجلس با این مسئله چیست؟

از یکسو، از ارجح اهمیت والاّی برخوردار است و از سوی دیگر "توایی" بی نظیر و پیامبرانه تلقی می‌شود. آرزوی ما در آستانه سال تحصیلی جدید سعه صدر و حوصله و تلاش و تگاپوی بی حد و حصر برای همه شما عزیزان است. هر لحظه آموزش سزنده شما در فرهنگ اسلامی "عبادتی" است از نوع عبادت پیامبران و امامان و قدیمی است به قرب جوار رحمت خدا و صبورونی سازنده و بالنده در این جهت است.

سؤال: آیا مقاومت سازمان داده شده‌ای در مقابل این جریان در مجلس وجود دارد یا نه؟

راه نجات ایران یک خط سوم است که نکات مثبت این دو جناح را قبول کند و نقاط منفی را افشاگری کند و بایاد این خط چه در بیرون و چه داخل مجلس بوجود آید.

هدفهای امپریالیسم و صهیونیسم

بقیه از صفحه ۱۲
خواهند فرسود و از منطق ابتلا و شکوفائی بی خبرند که جریان اصیل و انقلابی و تکاملی در زیر ضربات دشمن رشد می‌کند و شکفته می‌شود و می‌بالد.
۵- اسرائیل سالیان درازی است با مشکل کمبود آب مواجه است و در گذشته چندین بار برای تغییر مسیر رود اردن تلاش نمود هر چند امروز با دستکاری سادات خائن از منبع عظیم نیل بهره برداری می‌کند اما در بی دست یافتن برودخانه لیبانی است تا بدین ترتیب هم ضربه ای بر اقتصاد لبنان وارد سازد و هم از مشکل کمبود آب رهائی یابد.
۶- نیروهای وفادار با رمان انقلاب فلسطین و رهائی خلقهای مسلمان و مسیحی در لبنان و منطقه خاورمیانه و جهان، در سال

عده نظر من به این کمیسیون است که مجلس انتخاب میکند چون همه جانبه باید مسئله را رسیدگی کند و اگر کمیسیون نظرش این بود که باید محاکمه بشود خوب باید محاکمه بشود و منظور من از صلاح این است که بنظر من اینها جاسوسند و اسلام هم در مورد جاسوس نظری دارد و برخورد ما با آنها باید بعنوان یک کافر حربی باشد.

سؤال: در رابطه با این جاسوسها به نظر شما چه اقداماتی باید انجام داد؟

جواب: مجلس یک کمیسیونی را مطرح کرده ولی کلاً ما بقاء انقلابمان در مبارزه با امریکا است اگر این مبارزه افت کند قدم بقدم امپریالیسم جلو میآید الان در منطقه امریکا اگر مجبور نبود دست به خفکان به این شکل نمیزد و اخبار جسته و گریخته از عربستان و عراق حکایت از حرکتهای مردمی در این کشورها می‌کند، پیشاپیش این حرکتها انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، ما رسالت تاریخی داریم. ما تنها حکومت کردن برایمان مطرح نیست. همه‌ی خواهیم انقلاب را حفظ کنیم. در سطح جهانی هم از طریق دولتها با امپریالیسم نمی‌شود مبارزه کرد بلکه بیشتر ملتها درگیر هستند چون امریکا ملتها را در بند کشیده، وقتی اینطور است ما باید جبهه مردم را بگیریم، مردم جهان انقلاب ایران را بعنوان یک انقلاب اسلامی و الهام بخش قبول دارند از این نظر جریان گروگانها نباید به تند و تیزی مبارزه ضد امپریالیستی ضربه بزند و اگر محاکمه نکردیم و خواستند اقدام دیگری انجام بدهند باید جهش مبارزه با امپریالیسم باشد. از این نظر نباید با گروگانها از یک رابطه سازش و نرمش و امید بستن به نرمش از طرف امریکا رفتار کرد بلکه باید با گروگانها برخورد قاطع انقلابی بکنیم و اگر صلاح بود باید محاکمه کنیم و اگر یزوری گفتند امریکا می‌خواهد امتیازاتی بدهد و ما از این مطمئن بشویم، نباید با پس دادن گروگانها اینطور فکر کنیم که کار تمام شده.

سؤال: اینکه شما می‌گوئید اگر صلاح بدانیم محاکمه میکنیم، فکر میکنید در چه صوتی صلاح نیست آنها را محاکمه کرد؟

عده نظر من به این کمیسیون است که مجلس انتخاب میکند چون همه جانبه باید مسئله را رسیدگی کند و اگر کمیسیون نظرش این بود که باید محاکمه بشود خوب باید محاکمه بشود و منظور من از صلاح این است که بنظر من اینها جاسوسند و اسلام هم در مورد جاسوس نظری دارد و برخورد ما با آنها باید بعنوان یک کافر حربی باشد.

سؤال: ولی در خارج از مجلس شایعاتی در این مورد مطرح است؟

جواب: بنظر من در خارج از مجلس شایعه وجود دارد ولی ما نباید تحت تاثیر این شایعات قرار بگیریم، آنچه مسلم است روحیه ضد امپریالیستی مجلس قویست و امام هم خط مشحمی را مطرح کردند که جامعه ما هم بنا به رهنمود امام انتخاب خواهد کرد با بودن همچون رهنمودی سازگارترین سازشکارها هم نمی‌توانند نظر خود را اعمال کنند.

سؤال: آیا مقاومت سازمان داده شده‌ای در مقابل این جریان در مجلس وجود دارد یا نه؟

راه نجات ایران یک خط سوم است که نکات مثبت این دو جناح را قبول کند و نقاط منفی را افشاگری کند و بایاد این خط چه در بیرون و چه داخل مجلس بوجود آید.

مصاحبه با محمد میلانی نماینده تبریز

سؤال: نظرتان درباره بحثی که در مجلس مطرح است و برخورد مجلس با این مسئله چیست؟

از یکسو، از ارجح اهمیت والاّی برخوردار است و از سوی دیگر "توایی" بی نظیر و پیامبرانه تلقی می‌شود. آرزوی ما در آستانه سال تحصیلی جدید سعه صدر و حوصله و تلاش و تگاپوی بی حد و حصر برای همه شما عزیزان است. هر لحظه آموزش سزنده شما در فرهنگ اسلامی "عبادتی" است از نوع عبادت پیامبران و امامان و قدیمی است به قرب جوار رحمت خدا و صبورونی سازنده و بالنده در این جهت است.

سؤال: آیا مقاومت سازمان داده شده‌ای در مقابل این جریان در مجلس وجود دارد یا نه؟

راه نجات ایران یک خط سوم است که نکات مثبت این دو جناح را قبول کند و نقاط منفی را افشاگری کند و بایاد این خط چه در بیرون و چه داخل مجلس بوجود آید.

هدفهای امپریالیسم و صهیونیسم

بقیه از صفحه ۱۲
خواهند فرسود و از منطق ابتلا و شکوفائی بی خبرند که جریان اصیل و انقلابی و تکاملی در زیر ضربات دشمن رشد می‌کند و شکفته می‌شود و می‌بالد.
۵- اسرائیل سالیان درازی است با مشکل کمبود آب مواجه است و در گذشته چندین بار برای تغییر مسیر رود اردن تلاش نمود هر چند امروز با دستکاری سادات خائن از منبع عظیم نیل بهره برداری می‌کند اما در بی دست یافتن برودخانه لیبانی است تا بدین ترتیب هم ضربه ای بر اقتصاد لبنان وارد سازد و هم از مشکل کمبود آب رهائی یابد.
۶- نیروهای وفادار با رمان انقلاب فلسطین و رهائی خلقهای مسلمان و مسیحی در لبنان و منطقه خاورمیانه و جهان، در سال



مباحث ایدئولوژیک
دکتر حبیب‌الله بیجان

مقوله‌های اساسی مکتب

بقیه از صفحه ۱

نمی‌اندیشند و بعضی گروه یا طبقه و ملت خویش را محور می‌گیرند.

عنصر اصلی در جهان‌بینی جستجوی علل و ریشه و منشأ امور است. انسان می‌خواهد بداند کارها دست کیست؟ چه عاملی در مرگ و زندگی، در بدبختی و خوشبختی، در رشد و انحطاط وی مؤثر است؟ پول، زور، ماده، علم، قدرت، معنویت، حکومت، شاه، قانون، طبیعت و یا خدا؟

همانطور که هجرت از مکان و رها کردن قوم و قبیله و وطن و رفتن به نقاط دیگر در توسعه جهان‌بینی شخص تاثیر تعیین‌کننده دارد. هجرت از خود موجب توسعه معنی جهان‌بینی و دریافت غیرمجازی خود و یا دیدن خود در غیر می‌گردد. بعضی زندانی محیط یا وطن جغرافیائی و فرهنگی خود باقی می‌مانند و بعضی زندانی وطن نفسانی خود هستند و بعضی زندانی هر دو قفس. جهان هر یک از این اشخاص متناسب است با ابعاد زندانی که در آن می‌زند. می‌برند و بینش آنان نیز. با هجرت از محدوده‌های جغرافیائی، افق دید انسان توسعه می‌یابد. روستائی که عمری در دهکده محصور در دره‌ای عمیق بسر می‌برد با هجرت از وطن و گام نهادن به مناطق تازه، صاحب دنیای وسیعتر و در نتیجه دیدگاههای جدیدی می‌گردد، جهان او بزرگتر و جهان‌بینی‌اش وسیعتر می‌شود. هجرت در خود هم نقشی مشابه لکن در زمینه مفهوم و عناصر متشکله جهان دارد. هجرت از "خود" یک قانون بزرگ در خلقت است و عامل اصلی تکامل و نشأته جریان ضرورت در کلیه امور است.

بین علم در باره جهان و "دید" درباره جهان تفاوت است. کافی نیست بدانیم غیر از ما مردم دیگریم در این خانه و شهر و سرزمین زندگی می‌کنند، کافی نیست بدانیم در اطراف و در

همسایگی ما فقر و گرسنگی و رنج و بیماری هست، مردمی دردمند وجود دارند، کافی نیست بدانیم در جهان ظلم و استعمار هست، آدمگشی و غارت هست، این اطلاعات مربوط به جهان‌شناسی است، باید دید با چه نظر و یا نگرشی به آنها می‌اندیشیم و از موقعیت آنان، فقر، ظلم، استثمار و تحقیرشان چه نوع تلقی داریم، حتی کافی نیست که بدانیم در جهان خدایی هست - این فقط یک دانستن است - و اطلاع از آن برای درک جهان‌بینی یک شخص کافی نیست، باید دید تلقی وی از خدا چیست و تا کجا او را در زندگی خویش

روز دارد، ما هستیم و جهان مادی و جز آن چیزی نیست، اگر هم بوده و هست، آن بالا و خارج از این جهان، و کارش نیز تعطیل شده است. این جهان‌بینی با جهان‌بینی کسی که خدا را هر روز در کار خلق کردن می‌بیند "گل یوم هوقی شان" و او را درون و بیرون هر چیز، ابتدا و انجام هر کار، در ظاهر و پنهان اشیا و در جوهر و عرض هر پدیده می‌بیند، کاملا فرق دارد.

جهان‌بینی ابودر با معاویه و کعب‌الا - حبار و مروان حکیم و جهان‌بینی علی با طلحه و زبیر و عمرواص و جهان‌بینی حسین بن علی با یزید و عمر بن سعد متفاوت

عنصر اصلی در جهان‌بینی، جستجوی علل و ریشه و منشأ امور است. انسان می‌خواهد بداند کارها دست کیست؟ چه عاملی در مرگ و زندگی، در بدبختی و خوشبختی، در ریشه و انحطاط وی مؤثر است؟ پول، زور، ماده، علم، قدرت، معنویت، حکومت، شاه، قانون، طبیعت و یا خدا؟

در حوادث جهان مؤثر می‌داند. همه نوع خدا داریم و بهمان نسبت همه نوع جهان‌بینی. جهان‌بینی آندسته از یهودیان که می‌گفتند یدالله مقوله با جهان‌بینی کسی که می‌گوید لا مؤثر فی الوجود الا الله تفاوت بسیار دارد. برای بعضی خدا در آغاز و خارج از جهان نشسته است، او در کار خلق مانند مجسمه‌سازی عمل می‌کند که بعد از ساختن یک اثر خسته می‌شود و به استراحت می‌پردازد و بهمین جهت کار خلقت جهان را به شش روز طول می‌دهد، و دست آخر هم که کارش پایان یافت، آن بالا می‌نشیند به نظاره، و تاشا و تفریح و استراحت می‌کند. در چنین جهانی دیگر خدا وجود ندارد، و نه نقشی و اثری از وی ظهور و

است، در صورتیکه همه بیک‌خدا و یک قرآن و رسول پای‌بند بودند.

و امروز تفاوت دیدگاهها و جهان‌های هر شخص و گروه و طبقه با دیگران شواخی روشن است. جهان‌بینی اسلام‌شناسان بزرگ مغرب‌زمین با همه معرفت و آگاهی و علمی که نسبت به خدا و اسلام دارند، با جهان‌بینی آن کارگر مسلمان و الله‌اکبر گوی پشت‌بام در شبها و ستیزه‌جوی خیابان در روزهای انقلاب و آماده مرگ و جویای شهادت خیلی فرق دارد و همین‌طور بین جهان‌بینی حاجی سرامیدار و رباخوار بازار یا حاج‌اقفان صاحب دهها شرکت بزرگ تولیدی و تجاری یا آن مالک و خان و فنودال معروف و غیرمعروف و جهان‌بینی کارگر گوربه‌پزخانه یا چیت‌سازی تهران و

شاگرد کفاش و دوره‌گرد جنوب شهر خیلی فرق است. باید دید کدامیک از آنان به جهان‌بینی قرآن نزدیکترند و با دیدگاه پیامبر و علی، و ابودر هماهنگ‌تر.

ممکن است هر کدام خدای "خود" را بپرستند و جهان را از دیدگاه "خود" ببینند و بعضی هم ممکن است خدا را همانگونه که هست پرستش کنند و جهان را همانگونه که هست ببینند. مسلما این تفاوت بینش و نگرش در رفتار و موضعگیری و نظام ارزشهای هر یک تاثیر قطعی دارد. از این رو کافی نیست که بدانیم شخصی یا ملتی چه اندازه از جهان اطلاع دارد یا برای جهان خالق قائل است یا نه. بلکه باید جستجو کنیم که جهان را چگونه می‌بیند و چه تلقی از آن دارد و خدا را در جهان چگونه می‌نگرد و دریافت می‌کند، خلاصه تحقیق کنیم که محور دیدگاههای او چیست، کدام حقیقت را اصل و پایه و مایه جهان می‌شناسد و معتقد است؟

جهان‌بینی هر کس مقصدی بر همان حقیقتی است که در عمل بر آن تکیه دارد و نظام ارزشهای خود را بر آن استوار و بنا می‌کند. در زندگی بعضی ملاک ارزش و پایه و مایه حیات ثروت و بعضی علم و بعضی قدرت، بعضی انسان، ماده و بعضی معنا است، همان محور جهان‌بینی او بحساب می‌آید، از این رو چه بسا کسانی که وجود خدا را قائلند لکن جهان‌بینی مادی دارند بعضی به انسانیت و ارزشهای انسانی آگاه‌اند و علم دارند لکن جهان‌بینی‌شان بر پایه "خود" قرار دارد. بعضی در آگاهی‌شان همه ملتها و اقوام جای می‌گیرند

ولی جهان‌بینی ملت و قوم محوری دارند. بی‌شک کیفیت و کمیت آگاهیها و علم هر فرد یا گروه، یک عامل در درک و شناخت جهان‌بینی آنان است، اما همه آن نیست، یعنی تنها از روی معلومات و دانسته‌های یک فرد نمی‌توان به جهان او پی برد و نگرش او را نسبت به جهان درک نمود.

البته صحیح آنست که هماهنگی کامل بین جهان‌شناسی و جهان‌بینی پدید آید. چنانکه جهان‌بینی قرآن بر جهان‌شناسی آن منطبق است و کمترین تفاوت و تناقضی بین ایندو وجود ندارد. شرط این کار آزاد بودن اندیشه و قلب از هر نوع وابستگی است که جهان‌بینی را مقید و مشروط می‌سازد. اگر قلب آزاد باشد، هر چه چشم

دید و ذهن و عقل دریافت کرد، همان را می‌پذیرد و درک می‌کند و تسلیم آن می‌شود. اما اگر قلب اسیر و وابسته به چیزی باشد که حجاب بین آن و واقعیتی که دیده می‌شود قرار گیرد، ممکن است از وجود حقایق مطلع شود، اما نتواند به آنها ایمان آورده تسلیم شود (کفر) - در

کافر بین آگاهیهای وی از حقایق و ایمان و تسلیم او بدانها اختلاف است، فاصله است، در مؤمن ایندو یکی می‌شود، مؤمن

جهان‌بینی اسلام‌شناسان بزرگ

مغرب زمین با همه معرفت و

آگاهی و علمی که نسبت به خدا

و اسلام دارند، با جهان‌بینی آن

کارگر مسلمان و الله‌اکبر گوی

پشت‌بام در شبها، و ستیزه‌جوی

خیابان در روزهای انقلاب - و

آماده مرگ و جویای شهادت -

خیلی فرق دارد.

به حقیقتی که می‌شناسد ایمان می‌آورد و تسلیم می‌گردد. لذا جهان‌شناسی و جهان‌بینی مؤمن یکی است، اما از آن کافر دوتا است.

آی جهان یک مجموعه واحد و یک قلمرو و یک حقیقت بیش نیست یا جهان‌ها وجود دارند؟ در همه جهان یک عامل و یک نظام ارزشی حاکم است یا در هر زمینه آن یک نفر یا عامل خدایی می‌کند؟ وحدت و تعدد یا کثرت در نحوه نگرش به جهان و تلقی از امور یک ساله اساسی است. غالبا افراد عادت دارند جهان را به قلمروهای مختلف تقسیم کنند و نسبت به هر قسمت دیدگاه و تلقی خاصی داشته باشند. یعنی بجای یک جهان به وجود جهان‌های متعددی قائل‌اند، مثلا "برای بعضی حجره و دفتر تجاری یا اطلاق ریاست و وزارت

جهانی است جدا از خانه یا محفل دوستان و یا مسجد و مدرسه، شخص به همه این قلمروها سر می‌زند اما نسبت به هر یک با تلقی خاصی و بر مبنای نظام ارزشی معینی برخورد می‌کند، محور جهان‌بینی یا به عبارت ساده‌تر خدای حاکم در جهان حجره و دفتر تجارتخانه و شرکت یا اطلاق وزارت یا خدای حاکم در خانواده فرق دارد و ایندو غیر از خدای حاکم در جهان

دوستان یا جهان مدرسه و دانشگاه و یا محله و مسجد است، در یکی پول و سود حاکم است و در یکی قدرت و امتیاز و درجه و در یکی محبت و در یکی لذت‌جویی و شکم. در یکی الله و در دیگری محمدرضا و ساواکی در سومی دلار و ریال. تلقی‌ها در هر جا متناسب با شرایط و ویژه آن قلمرو است و لذا نظام ارزشهای مورد قبول هم در هر کدام با دیگری متفاوت است. چه بسا براندگانی که رفتارشان در هر یک از این محیط‌ها با دیگری فرق می‌کند، در کارخانه بعنوان کارفرما یا در دفتر شرکت و حجره تجارت، عبارش در همه حال و در هر برخورد پول و سود مادی است، ارزش افراد به بودن سوددهی‌شان یا ضرری که ممکن است برسانند تعیین می‌شود. گارمند یا کارگری نزد وی عزیز و لایق است که منفعت بیشتری عاید شرکت می‌کند و هزینه کمتری برای ارباب در بر دارد. در اینجا ارزشهای انسانی، عاطفه، گذشت، ایمان، تقوا هیچیک ملاک نیست، زیرا خدای این جهان پول و نفع مادی است. دشمنی‌ها و دوستی‌ها بر اساس پول و سود مادی سنجیده و تعیین می‌شوند، در "جهان"

اداره و حوزه ریاست و وزارت، خدای دیگری حاکم است، مقام! و نظام ارزشهای دیگری ارزش افراد به میزان تبعیت و اطاعتی که از آقای وزیر و رئیس و مدیر کل می‌کنند یا احترامی که به وی می‌گذارند و میزان تعلق و مدح و ثناگویی و چرب‌زبانی و داشتن رابطه دوستی و نسبت خانوادگی یا شرکت در محفل‌ها و باندها و خوشگذرانی‌ها تعیین می‌شود و در خانه خدایی دیگر، و در میان دوستان خدایی دیگر.

انسان دیگری را می‌بیند که وقتی در حجره و بازار است معیارش و خدایش باز هم پول است و منفعت چنددرصدها و ایمان و مسلمانی، دوستی و رفاقت، دشمنی و خصومت همه بر مبنای پول سنجیده و ارزیابی می‌شوند، اما چون به مسجد می‌رود خدای دیگری حاکم می‌شود و در خانه خدای دیگری.

تعدد و کثرت در جهان بینی خود زمینه کثرت در شخصیت افراد است. تلون مزاج و چندگانگی که در رفتار و شخصیت بعضی افراد می‌بینیم دلیلی جز این ندارد که در هر یک از زمینه‌های اساسی زندگی دیدگاه و ویژه‌ای دارند، معنویات آنان از مادیاتشان جدا است، دنیا قلمروی مستقل از آخرت، شغل و کسب و درآمد مادی مقلولای متفاوت با عبادت و نماز و روزه و مسجد و محراب است. جهان اینگونه افراد از حلقه‌های بسته و دایره مستقلی تشکیل می‌شود، هر کدام مرکز و شعاع عمل خاص خود را دارند حتی اینکه الله را خدای عالمیان بدانند در این نوع کثرت‌بینی تاثیر عملی بر جای نمی‌گذارد. در ذهن به یک خدا قائل است اما در عمل به خدایان متعدد تسلیم و پای‌بند.

یکی از نشانه‌های بارز وحدت جهان‌بینی وحدت نظام و ملاکهای ارزشی است. اگر کسی در همه جا ملاکهای شخصی "منافع، حیات، قدرت و لذات شخصی" را بکار برد یک‌خدا و یک جهان دارد و آن خودنفسانی است. اگر همه چیز را در همه جا با ملاکهای علمی سنجید و کشفیات و تئوریها و نظریه‌های علمی را مطلق شمرد و معیار قرار داد، جهان را در حوزه قلمرو علوم محدود می‌کند و خدای او علم خواهد بود و بعضی انسانیت را البته با تعبیر تعریف خاص خود معیار قرار می‌دهند و بعضی سرزمین و ملت و نژاد، اما در هر حال اگر در همه جا یک نظام ارزشی واحدی را بر پایه همان محور و نقطه ثقل بکار برند، جهان‌بینی واحدی دارند و اگر در یک جا ملاک انسانیت در یک جا علم و در یک جا ملت و ملیت و در جای دیگری مذهب را، به تعدد جهان‌بینی دچارند و کثرت در نظام ارزشی.

وحدت جهان بینی موجب وحدت شخصیت و هماهنگی در عمل و رفتار و استمرار استحکام و انسجام در عقیده و عمل می‌شود و بعکس کثرت در جهان بینی موجب تجزیه شخصیت و تلون در رفتار و تزلزل و چندگانگی در عمل و عقیده و اختلاف بین گفتار و کردار و خلوت و جلوت، محراب و خانه، و منبر و مسجد می‌گردد

ادامه دارد

بیانیه دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز دانشگاهها و مدارس عالی در رابطه با دانشگاهها

بقیه از صفحه ۱

در حال در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید با یادآوری و تاکید بر موارد ذیل، خواستار باز بودن دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی می‌باشیم.

۱ - انقلاب فرهنگی برای زدودن آثار سلطه استعمار و استبداد، از کلیه روابط و مناسبات و نهادهای اجتماعی و آموزشی کشور ضرورتی حیاتی است که بدون آن انقلاب اجتماعی تحقق نمی‌یابد و ادامه پیدا نمی‌کند.

۲ - انقلاب فرهنگی محدود به تغییر نظام آموزش عالی نیست، بلکه باید همه شئون کشور و مناسبات در ادارات، ارتش، اقتصاد، بازار، و سایر ارگانهای حکومتی را دربرگیرد.

۳ - انقلاب فرهنگی که ملازم دگرگونی های اخلاقی و رفتاری در رابطه اجتماعی و نظام ارزشی و جهان‌بینی مردم است، در یک روز یا یک ماه و یک سال امکان‌پذیر نیست، بلکه در مدت کافی و همراهِ تغییرات هماهنگ در سایر نهادهای جامعه انجام می‌گیرد.

۴ - تعطیل دانشگاهها هرگز به تنهایی شرط انقلاب فرهنگی نیست، چنانکه برای انجام این انقلاب لزومی ندارد همه شئون و دستگاهها و امور ملکی تعطیل شود.

۵ - تعطیل دانشگاهها به این دلیل دردی را دوا نمی‌کند که صدماتی را هم در بر دارد از جمله:

الف) کاهش نسبی افراد متخصص و تحصیل کرده و وابستگی بیشتر ما به تحصیلکرده - های خارج و کارشناسان بیگانه. ب) ادامه وابستگی علمی و فنی به بیگانه. ج) بلاتکلیفی و انطاف وقت صدها هزار دانشجویی که ارگانهای کشور قادر به جذب و استفاده از نیروی آنان نیست و باعث ایجاد نارضایتی، حالات یاس و انفعال و تحریک‌پذیری می‌باشد. د) مساعد شدن زمینه دگرگیریها و اغتشاشات و تشدید تضادهای درونی. ع) کمیته انقلاب آموزشی تاکنون نشانه‌های از تصمیم‌گیری سریع و انقلابی نشان

نهاد و انتظار نمی‌رود بتواند با سرعت لازم و نتیجه مطلوب در کوتاه‌مدت دانشگاهها را باز نماید.

۷ - بسته‌ماندن دانشگاهها در سال جاری با توجه به جو ناآرام کشور و فعالیت شدید ضدانقلاب و تبلیغات وسیع امپریالیستها محیط را برای تشنج و بروز اغتشاش در مدارس و دانشگاهها آماده می‌سازد.

۸ - ازهم اکنون عوامل ضدانقلاب و گروههای فرصت‌طلب خود را آماده بهره‌برداری از یک چنین زمینه مساعدی می‌نمایند.

۹ - اقدامات نادرست در آموزش و پرورش نارضایتی زیادی در بین خانواده‌ها و دانش‌آموزان و معلمان بوجود آورده و در نتیجه ضدانقلاب امیدوار است که دامنه برخوردها و درگیریها را بخیابان بکشاند.

۱۰ - اگر این رویدادهای اجتماعی را در کنار سایر فعالیتها و اقدامات دشمن قرار ندیم، اهمیت خطری که حاکمیت انقلاب را تهدید می‌کند، بخوبی درک می‌شود.

۱۱ - پیشنهاد ما اینست که کمیته انقلاب آموزشی با دعوت از صاحب‌نظران دانشگاهی و نمایندگان از دانشجویان و مشورت با آنان طرح ضربتی سریعی برای باز کردن دانشگاهها و اجرای همزمان تغییرات در برنامه‌های آموزشی را تنظیم و تصویب کند. تغییرات می‌تواند تدریجا و در طول چند سال پیاده شود.

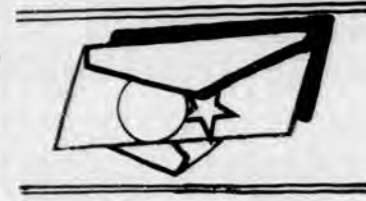
۱۲ - باز کردن دانشگاهها را میتوان مرحله به مرحله و از دانشکده‌ها و دانشکاف‌هایی که برنامه‌ریزی آن رو به اتمام است، آغاز کرد و برای این دوره‌ها دانشجوی جدید پذیرفت. والسلام

دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز دانشگاهها و مدارس عالی
۵۹/۶/۲۷

ارزشهای اصیل توحیدی و انسانی است که تحقق این ارزشها درهریک از نهادهای همزمان باهم و بطور خودجوش از درون مردم بکف‌توده‌های مستضعف به‌توقی رسیده انجام می‌پذیرد. که این درحقیقت تبلوراصالت و جوهر مکتبی انقلاب میباشد. بنابراین انقلاب واقعی در هر یک از نهادهای جامعه رابطه‌های ارگانیک، و پویا با تغییر و تحول و انقلاب در کل سیستم و نظام موجود جامعه دارد. لذا آنچه از چند ماه پیش تاکنون بنام انقلاب فرهنگی مطرح می‌باشد، مساله‌ای نیست که بتواند جدا از انقلاب فرهنگی در کل جامعه و بدون اتکا به توده مردم بوسیله قشر یا گروه خاصی صورت پذیرد. ضرورت دگرگونی نظام و ارزشهای منطبق رژیم وابسته به امپریالیسم، بر هیچیک از نیروهای انقلابی اصیل و دلسوز به انقلاب و ملت، پوشیده نبوده و نیست و ما در بیانیه ۵۹/۱/۲۹ خود که همزمان با این اقدامات منتشر شد، نسبت به اهمیت این مساله پای فشرديم و ضمنا" متذکر شدیم، هر حرکت اصولی و درست، شیوه‌ها و فرم درخورد خود را می‌طلبید وگرنه محتوی درست را نمی‌توان با شیوه‌های قشری و انحصاری بدون درنظر گرفتن توده‌هایی که مجری آن هستند قوام بخشید و در غیراینصورت محکوم به شکست است. این مساله‌ای بود که همان موقع به برادران و خواهران انجمنهای اسلامی متذکر شدیم که علیرغم انگیزه تغییر نظام آموزشی، شیوه کار بنحوی بود که بیشترین سود را فرصت‌طلبان، لیبرالها و مرتجعین از آن بردند. البته خود نیز به مسئله آگاه شده و طی اعلامیه‌ای بستم دفاتر سیاسی را هدف خود ندانستند. حال پس از گذشت ۵ ماه از تعطیل دانشگاهها و با وجود تشکیل شورای انقلاب آموزشی، طرح‌شخصی که بتواند جوابگوی استواری یک نظام آموزشی مبتنی بر مکتب باشد، ارائه نگردیده و معتقدیم تا زمانیکه مسئولین امور نخواهند مسئله دانشگاهها را از مسیر توده‌های دانشگاهی حل کنند، موفق نخواهند بود، و این‌را هم اکنون شاهدیم.



برادر غ - ک - کازرون



گرگان: برادر م - خ

بر اساس بینش توحیدی ما سرچشمه انحرافات و فساد و خیانت و اختلافات و بدبختی‌های فردی و اجتماعی بشر را در تسلط هواهای نفس یعنی شیطان بر وجود آدم می‌دانیم.

اگر کسی بنا به قول امام به حب نفس دچار باشد بطور قطع باید گفت که شیطان بر او چیره شده و اصولاً او خود می‌رود که شیطان شود.

اگر به تاریخ اسلام و تاریخ همه‌نهضتها و انقلابات نگاه‌کنی متوجه می‌شوی که علت شکستها، انحرافات، اختلافات و کشمکشها همه تسلط هواهای نفس بر رهبران قوم بوده‌است. شکست انقلاب پیامبر دلیلی جز خودخواهی، جاه‌طلبی و قدرت طلبی و هوای نفس باران رسول خدا و رهبران قوم نداشت. جریان سقیفه و جریانات بعدی علیه امام علی و تا به امروز در نهضت مشروطه و نهضت ملی ایران و این روزها هم که خود شاهد اختلافات دردآور هستی که امام در بیانات اخیرشان با صراحت علت آنرا در خودخواهی زمامداران از رئیس جمهور تا بقیه دانستند و به آنان خطاب کردند که هرکدام از شما من من کند قطعا" شیطان است و گفتند که شماها با اینکارها طاغوتی هستید، و با این کارها عملتان به نفع امریکا است، اگر چه ملتفت نباشید.

ما از آنجا که تجربیات تلخ تاریخ را پیش چشم داریم، از آنجا که بینش انسانشناسی قرآن را پیش چشم داریم، میدانیم که اگر خصلت‌های استکباری بر شخصیت کسی حاکم شود، بطور قطع او گمراه میشود و اسیر شیطان میگردد. حالا اگر این شخص یک فرد معمولی و بدون مسئولیت باشد، اثر کارهای ناچیز است ولی اگر در مقام مهمی قرار داشته باشد، آنوقت عوارض سنگینی دربردارد، لذا ما بر پیروی از سیره امام علی و بنا به مصلحت انقلاب و مکتب ناچاریم ضعفها را صریح بگوئیم و ریشه‌یابی کنیم، ما از تو برادر تقاضا داریم اگر حتی یک حمله و عبارت برخلاف واقعیت و حقیقت و یا مصلحت انقلاب و مردم و اسلام گفته‌ایم بما تذکر بدهی، ما را از اشتباه بیرون بیاوری یا اگر اقدام مثبتی و خدمتی انجام گرفته، و ما نادیده گرفتیم آنرا هم برایمان بنویسی و یادآوری کنی، مسلم بدان ما استقبال می‌کنیم و اگر خطایی صورت گرفته جبران خواهیم کرد.

ساری: برادر سرباز - م

همانگونه که خود تو نیز نوشته بودی ما در مقالات متعدد در امت به مسئله ارتش پرداخته و تغییر در آن را نه در شکل و ظاهر و اسم، که در محتوی خواستار شده بودیم. نوشتیم که حفظ ساختار ارتش بناچار وابستگی‌های سابق را بیش خواهد آورد و ارتش وابسته در آینده برای انقلاب به مثابه خطر خواهد بود. نوشتیم که هنوز روابط جاری در پادگان‌ها و بین افراد تغییر نیافته است و می‌رود که همان روابط سابق ابقاء شود نوشتیم که و بسیاری دیگر از مسائلی را که متوجه دیگر برادران نیز با آن درگیرید ذکر کردیم و اکنون نیز در فرصت‌های مناسب و جدیداً مسئله ارتش بر خرد خواهیم داشت.

همانطور که بارها نیز توضیح داده‌ایم در اصل بین جامعه توحیدی و جامعه بی‌طبقه توحیدی فرقی ندارد ذکر کلمه بی‌طبقه بلحاظ مشخص نمودن و تاکید بر یکی از خصوصیات جامعه توحیدی می‌باشد.

محمود صرافی - دانش‌آموز - آبادان

سن ۱۵ - ۱۶ سالگی که سن آغاز بلوغ فکری فرد است مرحله‌ای است که نوجوان برای اول بار می‌خواهد علت بسیاری از چیزها را کمی ببیند بداند، چیزهایی که تا آنوقت عادی بودند اکنون هر یک مسائلی هستند و پاسخ نیاز دارند. از جمله می‌خواهد علت زندگی کردن و هدف و معنای آن و رابطه خود را با جهان و منشاء خلقت و بسیاری مسائل از این قبیل را بداند، می‌خواهد بداند چرا روشهای گروهها باهم متفاوت است، چرا بعضی متجاوز و زورگو و بعضی قهرمان‌اند، چه فرقی بین آنان است و چه تفاوتی در سرنوشت هر یک؟ این مرحله را مرحله شکل گیری ایدئولوژی و جهان‌بینی شخص می‌نامیم.

چون در این مرحله احتیاج به یک نظام عقیدتی دارد که سوالات بسیار او را جواب دهد و راه درست زندگی و معیار انتخاب را برایش تعیین کند. اگر جوان در این مرحله نتواند صاحب یک نظام عقیدتی شود، دچار سرگردانی و سرگشتگی شده و چون از حل بسیاری تناقضها و اختلافات و امور غیرمنتظره عاجز میماند به یاس و دلهره و اضطراب دچار شده، اگر زمینه‌ها و عوامل دیگری هم که بعضی ارگانیک هستند وجود داشته باشد، از زندگی دلسرد و گهگاه تمایل به خودکشی هم ممکن است در وی پدید آید.

پس مهمترین و نخستین گام اساسی در این مرحله آنستکه جوان عقیده و فلسفه زندگی یعنی مذهب خود را انتخاب کند، برای ما که مسلمان هستیم و اسلام را از پدر و مادر می‌گیریم باز هم اهمیت دارد که در این مرحله بجای اسلام موروثی و تقلیدی به اسلام در معنای یک مکتب. یک نظام فکری یک فلسفه وجودی و اعتقادی برسیم تا پاسخگوی سوالات بیشمارمان و راهگشای عمل و مسئولیت‌هایمان باشد، پس علت سردی و یاس در این مرحله می‌تواند شکست در بدست آوردن یک ایدئولوژی منسجم، جامع و بدون تناقض و همه جانبه باشد، اگر چنین نظام عقیدتی تشکیل شود، مشکلات این دوران که هر یک در صورت فقدان یک ایمان، منشاء دلسردیها و یاس‌هایی شوند، چندان تاثیر نمی‌کنند و شخص قادر به تحمل و تحلیل آنها خواهد بود.

در مرحله دوم یکی از علل یاس و سرخوردگی در همین زمینه ممکن است این باشد که شخص از چیزی را که بدان عقیده داشته، آثار خلاف می‌بیند، مثلاً می‌بیند کسانی که برایش سمبل و نمونه پاک، انسانیت و ایمان بوده‌اند، ضعیف و فاسد و منحرف‌اند. یا می‌بیند عقیدتهای که بدرستی آن ایمان داشته در عمل قادر به حل مسایل او نیست، یا برخلاف انتظار خود را قادر به انجام عمل مثبتی نمی‌بیند یا شکستهای غیرمنتظره نصیب او می‌شود و

بامسائلی از این قبیل. علت این یاس‌ها یا اینستکه از مکتب خود شناخت صحیح و عمیق نداشته است، یا به مکتب و عقیده نادرست و نارسائی پای بند شده که قادر به راهنمایی او نیست یا در باره اشخاص برداشت و شناخت ناقص داشته، بهرحال ضعف در شناخت یا در عقیده و یا حتی در شناخت درست "خود" و استعدادها و ضعفهای "خویشتن" است، انسان باید ضرورت طی کردن یک مرحله تجربه و خطا را بپذیرد و از شکست و اشتباه ناامید نشود و آگاهانه هر بار حرکت و عقیده خود را تصحیح کند.

۲) نظر دادن درباره مواضع عقیدتی سیاسی یک جریان در چند خط غیرممکن است، ما معیارهای اصیل و مکتبی را در پرتو قرآن ارائه می‌دهیم تا راه ارزیابی و شناخت سایر مکاتب و برداشتها هموار شود. البته در اولین فرصت مناسب به نقد سایر مکاتب خواهیم پرداخت.

سخت‌سر: برادر احمد - س

۱) برادران شما در جنبش مسلمان مبارز آنگاه که مصلحت انقلاب و مکتب ایجاب کند از پذیرفتن مسئولیت خودداری نکرده به استقبال آن خواهند شتافت جواب دادن به

نامه‌هایی که در طول یک هفته بدست ما میرسد برایمان امکان‌پذیر نیست. تعدادی از آنها را - بخصوص نامه‌هایی که مسائل

جدیدی را مطرح و سؤال کرده‌اند- در قسمت مردم و ما جواب می‌دهیم، و جواب تعدادی از نامه‌ها را هم بوسیله پست ارسال می‌داریم، اما بسیاری از نامه‌ها حای سؤالاتی تکراری است که ما به این عده از خواهران و برادران توصیه می‌کنیم که حتماً تمامی جوابهایی را که در قسمت مردم و ما مطرح می‌شود، مطالعه بنمایند، چرا که می‌توانند جواب سؤالات خود را در آنها بیابند و از طرف دیگر برای ما این امکان را بوجود آورند که به سؤالات جدیدتر بپردازیم.

۳) فردی که نام برده‌اید چه در قبل و چه در حال حاضر عضو جنبش مسلمانان مبارز نبوده و نمی‌باشد.

فهنوبه: برادر ب- ج

برادران! آنچنانکه تا بحال بوظیفه اسلامی و انسانی خود عمل کرده‌اید در مبارزه علیه فئودالیسم و عناصر فرصت طلب و مرتجع گام برداشته‌اید، همین راه را ادامه دهید. برای غنای بیشتر مبارزه بر علیه خوانین و افشا کردن آنها، سعی نمائید ماهیت گذشته آنها را برای مردم بازگو کنید و با دادن معیار به مردم و نشان دادن حقوق اسلامی و قرآنی‌شان، آنان را در جهت مبارزه با این عناصر بسیج نموده و راه شهیدانمان را ادامه دهید.

برای اینکه جوانان نسبت به مسائل بی تفاوت نشده و متفعل نگردند، برخورد خودتان را با آنها فعالتر نمائید سعی کنید با مطالعات و کارهای دسته‌جمعی و گروهی و هدفدار اوقات خود را بپرکنید. جواب بقیه سؤالات خود را در سرمقاله‌ها امت و مقاله‌های سیاسی می‌توانید بیابید.

برادر رضا ف - لاهیجان

بدون تردید چنانکه از آیات قرآن در باره چگونگی خلقت انسان برمی‌آید، آفرینش انسان (بصورت کنونی) خلق‌الساعه نبوده و طی یک دوره طولانی از تطور و تکامل انجام گرفته است، درست است که هنوز بعضی این معنا و براشت را منکرند، لکن محققین و قرآن‌شناسان با نظر فوق موافقت دارند. اما در باره کیفیت این تحول و تکامل و

بخصوص اینکه انسان کنونی از نسل میمون- های فقلی یا شبیه میمونهای فقلی بوجود آمده یا از نسل موجود دیگری که هم اکنون وجود ندارند، قرآن ظاهراً سخنی نمی‌گوید و علم نیز هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است، ادعای اینکه انسان فقلی از نسل میمون است پایه علمی و تجربی ندارد و تنها یک فرضیه است و شایسته‌ای موجود میان ایندو کافی برای اثبات این نظریه نمی‌باشد. زیرا فرضیه دیگری مطرح می‌شود و آن اینستکه انسان از نسل موجود دیگری است که تا مرحله پیشتر از انسان شدن شباهت زیادی با میمونها و حیوانات عالی داشته است. بعضی قرائن این نظر را تأیید می‌کنند، جدا از آیات قرآن که منشاء خلقت انسان را خاک و ماده اولیه ذکر می‌کنند و سپس می‌گوید بعد از تطور و تسویه بشری شدو بشر با گرفتن روح الهی، انسان گردید و در این سیر دگری از حیوانات دیگر نمی‌کند. سیر تکامل طبیعی موجودات نیز نشان می‌دهد که از ماده اولیه که یکسان بوده تطور و تحول در بیش از یک سیرها رخ داده، بعضی خط سیرها بسیار کوتاه‌اند مثلاً تا مرحله تشکیل عناصر اولیه فیزیکی، بعضی کمی بلندتر و بعضی تا مرحله بوجود آمدن ویروس‌ها و سروروزورها، و بعضی بمرحله‌ای بالاتر و هر کدام در همان مرحله نهایی خود میلیون‌ها سال است مانده‌اند و در جا می‌زنند و ظاهراً از آن میان تنها خط سیر انسان است که به تطور خود تا این مرحله ادامه داده است. بهر حال اینها همه فرضیه است، آنچه مسلم است خلقت تکاملی و تدریجی انسان است که مورد تأیید قرآن می‌باشد و در این باره شما می‌توانید به درسهای آیت‌الله مشکینی در باره تکامل و جزوه وازه‌های قرآنی، برادر پیمان رجوع کنید.

اما در باره تبیین جهان از راه و شیوه

بقیه از صفحه ۷

سلام بر خمینی درود بر...

را مرتجع بخوانند - ولی مرتجع واقعی آنان هستند که در برابر انقلاب خلق ایستادند و کسانی که با آنان همگامی دارند یا تأییدشان کرده و میکنند - آری ما با ایمان به صداقت توده‌ها و اصالت به جنبش انقلابی و درستی خط امام که تنها خط موجود در برابر خط امریکاست بر روان پاک شهیدان هر روز و شب انقلاب درود می‌فرستیم. و رهبر سازش ناپذیر آنرا می‌ستائیم. و در حمایت از این خط در برابر هجوم توطئه‌های امپریالیستی و جریانات انحرافی و در رأس همه خط امریکا از هر گواشی فروگذار نخواهیم کرد. ما شاهد ارتقاء محتوای جنبش انقلابی خلق هستیم. ما شاهد مقاومت نیروهای اصیل انقلاب و پیروان خط امام در برابر خطوط سازشکاری و ارتجاعی هستیم. ما در پیام‌های اخیر امام جوهر و محتوای انقلاب را که بزرگترین قدرت اهریمنی و ضد انسانی تاریخ یعنی امپریالیسم را به هراس انداخته است دیدیم و از آن دفاع خواهیم کرد.

ما برادران و خواهران جوانان مبارز و صادق خود را در سراسر کشور به ارزیابی دقیق تر واقعیت‌ها دعوت میکنیم از آنان می‌خواهیم از تجربیات تاریخی عبرت گیرند و لااقل آخرین تجربه یعنی نهضت ملی و دکتر مصدق را در آینه قرار داده، مسئولیت تاریخی و مکتبی خود را در شرایط حساس و پیچیده کنونی درک و بدوش گشند - شک نیست که شرایط دشوار پر شبهه است لکن اگر کسی علاوه بر صداقت به معیارهای مکتبی آشنا، از واقعیت‌ها بدرستی مطلع و دارای بینش و تجربه تاریخی باشد در شبهه نمی‌افتد و تقوی او را به راه مستقیم - نه چپ و نه راست - هدایت میکند.

خوانند در یکسال و نیم گذشته بجای مبارزه جدی علیه امریکا - بجای حمایت از جنبش انقلابی مردم بجای مقابله با فئودالها، بازمانده‌های رژیم سلطنتی، با ملاکین و مرتجعین واقعی بجای مبارزه با مزدوران پالیزیان و اویسی و تحریکات بعضی‌های عراق و خانها - لیبرالهای وابسته و سرمایه داران وابسته - یکسره همه گوشش تبلیغاتی و قدرت تشکیلاتی خود را در جهت ایجاد تفرقه و تشتت و اغتشاش و جو سازی علیه روحانیت، علیه رهبری انقلاب و در جهت ایجاد حس بدبینی و یاس و نفرت در قلوب جوانان کرده‌اند - عملاً با محافل وابسته به دشمن، لیبرالهای وابسته و خانها - روحانیون مرجع و مرجع و ... هم‌اواز شدند و حتی همکاری کردند - و در عوض توده‌های محروم همانها که میدان ژاله را، سرچشمه و تبریز و قم و شیراز و مشهد و هر شهر و دیار و هر گوجه و بن بست و خیابان و زندان را با خون پاک خویش سرخ‌فام کردند - همانها را که امروز هم فریاد درود بر خمینی می‌گویند و صمیمانه به انقلاب و به خونهای شهیدان خود وفادار مانده‌اند به القابی چون مرتجع و فالانتر ملقب نمودند - سپاه را بازوی ارتجاع و اعضای جهاد را مرتجع و فالانتر خواندند - آری رهبران این گروهها روزی باید برای هواداران و اعضای خود حساب پس بدهند - شاید آرزوی از همین الان آغاز شده است چنانکه می‌بینیم -

با اینکه خطای رهبران گریبانگیر توده‌های سازمانی و هواداران میگردد، اما مسئولیت آنها را نمی‌کنیم، این خواهران و برادران هم در معرض سئوالهای تاریخی قرار خواهند گرفت و وظیفه دارند آگاهانه به آنچه که رهبران می‌گویند بیاندیشند و اطاعت را تنها در چارچوب اصول مکتبی بپذیرند و لاغیر. ما خود ضعفها را خوب می‌بینیم و صریح بیان می‌کنیم - اما در دفاع از جوهر مکتبی انقلاب، حاضریم دهها بار دیگر ما



(بمناسبت دهمین سالروز مرگ ناصر)

جمال عبدالناصر سرباز پیروزی و شکست

نقشه از صفحه ۱

اما قرن حاضر بویژه دهه‌های پس از جنگ‌های بین‌الملل آن، دوران فرو ریختن این پایه‌های سست و تکیه بر بوجی است. به سبب فعل و انفعالاتی که پس از دو نبرد

دولت دیگر بروی کار آمدند که سرنوشتی جز سرنوشت ماهر نداشتند. ناصر و باران با کسب آگاهی از فعالیت فاروق برای دستگیری سران شناخته شده

درفرن حاضر از طرف کوحکهای درنبد استقلال هاطلبیده شد، استعمارها برانداخته شد و بندهای یوسیده اسارت هاباره ناره کردید.

قرن در صحنه سیاسی - نظامی جهان انجام شد و نیز به خاطر وجود آمدن احساسات شدید ناسیونالیستی در غالب کشورهای بویژه کشورهای جهان سوم، به فاصله کوتاهی پس از جنگ، جنبش‌های رهایی بخش در این نقاط بالاخص در آسیا و آفریقا جریان گرفت و کوچک‌های دریند، از بزرگان دریندکننده، حق حقه خویش را خواستار شدند. در این قرن استقلال‌ها طلبیده شد، استعمارها برانداخته شد و بندهای یوسیده اسارت‌ها پاره‌پاره گردید. قطب‌ها تزلزل حاکمیت جهان شمولشان را باور داشتند. خلقها با انتخاب نمایندگان حق طلب از میان خود که عمق اسارتشان را فریاد می‌زدند و آوج خشمشان را در درون داشتند، حقانیت خویش را به اثبات رسانیدند. جمال عبدالناصر در میان این کزیدگان و منتخبین چهره‌های شاخص و ممتاز است. ناصر که از دوازده سالگی با الفبای سیاست آشنا شده و آنرا هجی کرده بود، با احساسات عمیق ملی که ناشی از تأثیرات مطالعه تاریخ پرفراز و پر نشیب میهنش می‌بود، در اوج دوران قدرتمندی استعمار بریتانیای به زعم خود کبیر، ظهور کرد، زور خویش را که دیگر در درونش جای نمی‌گرفت و فضای تنفس وسیع‌تری را طلب بود، ظاهر ساخت.

گروه، و با مفتنم شمردن فرصت بدست آمده، روز ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ را روز شروع عملیات تعیین نمودند. جنبش کودتا ماندند افسران آزاد که در آخرین ساعات روز ۲۲ ژوئیه آغاز شده بود، تنها چند ساعت بطول انجامید و پس از اینکه ستاد فرماندهی، فرستاده رادیو، مرکز تلفن و سایر مراکز حساس بدست آنان افتاد، در ساعت ۷ صبح، انورسادات از طرف گروه، پیروزی افسران آزاد را از رادیو قاهره به اطلاع مردم رسانید. مصر به دست ترقی خواهان افتاد و رژیم سرتکون شد و ژنرال نجیب در ۲۵ ژوئیه به سمت رئیس شورای انقلاب و ریاست جمهوری منصوب گردید و سایر افراد گروه، از جمله ناصر، عبدالحکیم عامر، حسن ابراهیم، کمال‌الدین حسین، خالد محی‌الدین، انورسادات، صالح سالم و... شورای فرماندهی انقلاب را تشکیل دادند. فاروق که تا این زمان پشت بر تخت سلطنت داشت، در ۲۶ ژوئیه کاخ خود در اسکندریه را در محاصره تانکها دید و وی در اینجا چون همه مرتجعین و وابستگان تاریخ، از ترس باختن جان، متن‌کناره - گریش را امضا کرد و راهی ناپل شد. تحولی بدون خونریزی و حتی بدون اعلام سلطنت‌دار قبلی. تحولی که بدون مشارکت توده‌ها انجام گردید و به همین خاطر اگر چه در نوع خود در آن مقطع از زمان کاری بسیار ارزشمند و پرافتخار بود و یکی از بزرگترین ضربه‌ها را بر پیکر استعمار انگلیس وارد آورد، نمی‌توان نام انقلاب بر آن نهاد، زیرا انقلاب و دگرگونی بنیادی و اساسی تنها با فعالیت و مشارکت همگانی توده‌های امکانپذیر است، نه پیاده شدن طرح و برنامه‌های بالا ریخته شده. به این ترتیب عدم مشارکت توده‌ها در حرکت موجب گردید که مصر نوین در درازمدت نتواند در مقابل دشمنان پایدار بماند و اکنون می‌بینیم که امپریالیسم به نفوذی همه‌جانبه در مصر دست یافته، و ناصر نیز خود از عدم حمایت و استقبال توده‌ها از این حرکت ناراضی و تلخکام بود. خود وی در این باره می‌گوید:

پیش از بیست‌وسوم ژوئیه می‌پنداشتم که ملت منظر کوچکترین اشاره و پیدایش روزنمای از امید است تا به سوی هدف نهائی و بزرگی که در پیش داشتیم حرکت کند و باز می‌اندیشیدم که نقش ما تنها فرماندهی است و باید تنها چند ساعت صبر کنیم تا ملت به پشتیبانی از ما برخیزد حتی گاهی چنان در اندیشه‌ها پروازامید خود غرق می‌شدم که صدای نزدیک شدن جمعیت رانیز به گوش می‌شدیم، ولی واقعیت با آنچه من می‌اندیشیدم سرایا متفاوت بود. آنچه پس از بیست‌وسوم ژوئیه رخ داد، براساسی نومی‌دکننده بود. روزنه امید باز شد، پیشاهنگان انقلاب پایه‌های

ناصر نوجوان در مقام رهبری دانش - آموزان دوره دوم دبیرستان با برپائی تظاهراتی بر علیه انگلیس به صحنه مبارزه گام نهاد و پس از طی مراحل مختلف مبارزاتی در دوران دانشجویی و پس از آن در آغاز درگیری‌های فلسطین با اسرائیل اشغالگر در سال ۱۹۴۸ سلاح بدست گرفت و از آرمان خلق فلسطین دفاع نمود، وی در اینزمان صاحب درجه سرگردی بود. ناصر و برخی دیگر از نظامیان مصر که تجاری بسیار از جنگ ناموفق اعراب با اسرائیل در سالهای ۴۹ - ۱۹۴۸ اندوخته بودند، پس از بازگشت از سینا با تشخیص لزوم تغییرات اساسی در رژیم مصر که در وابستگی شدید و عمیق با استعمار انگلیس بسر می‌برد، به یکدیگر نزدیک شده و گروهی را بنام گروه افسران آزاد به شکل مخفی و زیرزمینی در درون خود ارتش تشکیل دادند. ارتش که تاکنون چون ابزار و وسیله‌ای در دست یک ستمگر برای ارتش ریختن هر حرکت و جنبشی بود، اینک میباید که علیه همان ستمگر به کار افتد. افسران آزاد با اندیشه رهاسازی میهن از قید نفوذ بیگانگان استعمارگر، گرفتن قدرت از فاروق پادشاه مصر، خلع پید از فتودال‌ها و زمینداران بزرگ و نیز مبارزه با فساد سیاسی حاکم بر مصر وارد صحنه گردیدند و با بخش شبنامه حضور و جریان فکری خویش را اعلام داشتند. در سال ۱۹۵۰ جمال عبدالناصر رسماً

خودمختاری خلقها را ارائه نمود که مورد توافق حاضرین قرار گرفت. و نیز یکی از کنفرانس‌های سران غیر - متعهد در سال ۱۹۶۴ همان سالیکه ناصر مجدداً برای مدت ۶ سال در پست ریاست جمهوری برقرار ماند، در قاهره تشکیل شد. ناصر پس از مرگ نهرو، سقوط سوگارتو نکرومه و بن‌بلا در میان غیرمتعهدها مقام شاخص‌تری کسب نمود. ناصر در همان هنگام که پیوستگی خود را با غیرمتعهدها اعلام نمود با بیان بغداد که با گرداندگی امریکا و با شرکت ترکیه و انگلیس و پاکستان و عراق مبنی بر تضمین دفاع از امنیت خاورمیانه بود امپریالیسم و نیز سرکوبی جنبش‌ها در منطقه در سال ۱۹۵۵ تدوین گردید، به مخالفت شدید برخاست و آنرا محکوم نمود. جمال عبدالناصر در پی جنگ کوتاه مدت اعراب و اسرائیل و شکست اعراب از اسرائیل و حامی‌اش امریکا استعفا داد، اما مجلس با تشکیل یک جلسه با دادن اختیار تام به وی و نیز مردم با تظاهرات گسترده و وسیع خویش خواستار بازگشت وی شدند و ناصر مجبور به بازگشت گردید. ناصر همواره شعار وحدت اعراب را طرح می‌نمود زیرا که آگاه بود اسرائیل همواره از شتت و پراکندگی ملل عرب بهره می‌برد. اما شکست ۶۷ نیز نتوانست پیروزی‌های پانزده ساله ناصر را از دیدگاهها محو سازد و از محبوبیت وی بکاهد. سرهنگ جمال عبدالناصر در سال ۱۹۷۰ زمانیکه خاورمیانه و مبارزات اعراب بر علیه صهیونیسم و امپریالیسم بیش از همیشه به شخص وحدت‌طلبی چون وی محتاج بود، دیده از جهان فروبست،

نیز در آن واقع است، آیا میتوانیم وجود یک دنیای مسلمان را که ما نم‌تنها از نظر مذهب بلکه از نظر تاریخ به آن وابسته‌ایم از خاطر ببریم؟ تا اینکه در سال ۱۹۵۸ ناصر که تازه به مقام ریاست جمهوری رسیده بود، بدرخواست سوریه، جمهوری متحده عربی را با آن کشور تشکیل داد، اما این اتحاد بدنبال ایجاد ناراضی عمومی در مردم سوریه در سال ۱۹۶۱ به جدائی انجامید. ناصر که در این دوران در جنگ سرد با حکومت قاسم در عراق بسر می‌برد و نیز به خاطر مبارزات که با مسکو در پیش گرفته بود، موجب شد که تاکتیکیهای اشتباهی ر از جمله برقراری روابط با امریکا و دولت‌های عربی و نیز ایجاد رابطه با دول ارتجاعی عرب مثل اردن و عربستان، مرتکب شود که خود وی پس از جدائی سوریه از اتحاد سال ۱۹۵۸، اعلام نمود که از اتحاد و ساختن با مرتجعین ضربه‌خورده و با کشودن دروازه‌های ملی بروی نیروهای مرتجع مانع بزرگی در سر راه سامان دادن به آمال مردم بوجود آورده. پس از جدائی سوریه از مصر اقدامات دیگری در رابطه با ملی کردن صنایع و مؤسسات و کارگاه‌ها بوقوع پیوست، عده‌ای از ثروتمندان توقیف شدند و دارائی گروهی از طبقات از جمله مالکین قدیمی ضبط گردید و در انتخابات عمومی مجلس که در همان زمان انجام گردید، کارگران و دهقانان بسیاری به مجلس راه یافتند و بیش از نیمی از کرسی‌ها را به خود اختصاص دادند. اما در سیاست داخلی آنطور که باید اقدامات لازم جهت قطع رابطه اساسی با امپریالیسم صورت گرفته بود، بطوریکه

شربت فعالانه ناصر در جنبش غیرمتعهدها، ملی کردن کانال سوئز، لغو قرار داد اسارت با انگلستان با مصر و... از وی چهره‌ای شاخص و محبوب ساخته بود.

و امپریالیستها با مفتنم شمردن این زمان حساس برای استقرار مهرهای سرسپرده از جانب خویش، به تبلیغات دامنه‌داری بروی سادات دست زدند و از وی شخصیتی کاذب ساخته، او را تنها رونده و ادامه دهنده خط ناصر معرفی نمودند و اسباب پیروزی وی را در انتخابات ریاست جمهوری مصر فراهم کردند. به این ترتیب خط فکری ناصر که موجب شکرگیری بسیاری از خیزش‌های انقلابی در کشورهای جهان سوم گردیده بود، بیکباره محو گردید و خط سرسپردگی و وابستگی و دوستی تنگناک با دشمنان بشریت، امپریالیسم و صهیونیسم سادات، جایگزین خط فکری ضد استعماری وی گردید و بر مردم مصر مستولی شد.

این جریان هنوز در دستگاه اداری نفوذ داشت. عدم دگرگونی اساسی در ساختن کشور، موجب گردید که با از میان رفتن ناصر، شرایط لازم برای نفوذ و تسلط مجدد امپریالیسم بر کشور مصر فراهم باشد. از مهم‌ترین اقدامات ناصر در سالهای پس از پیروزی، پیوستن به جنبش غیرمتعهدها و شرکت فعالانه وی در این جنبش که خود به همراه تیتو، نهرو، سوگارتو و بن‌بلا بنیانگذاران آن بود، می‌باشد. ناصر در اولین کنفرانس غیرمتعهد در باندونگ پیشنهاد های ارزنده‌ای از جمله کوشش برای صلح بین‌المللی، همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی بین کشورهای غیرمتعهد، حل بحران فلسطین، آزادی شمال آفریقا، حقوق بشر و

چه کسانی در پی مخدوش ساختن چهره نهضت ملی

باید دید که دکتر مصدق انگیزه ملت و استقلال ملی را تحت چه شرایطی مطرح کرد و از آن چه برداشتی داشت، ملت در فرهنگ سیاسی نهضت ملی ایران در برابر استعمار بیگانه قرار داشت نه در برابر مکتب و مذهب

مستبکران و مستبدان بوده است. نمایندگان مجلس نباید اجازه دهند بعضی تنگ‌نظریها یا غرض‌ورزیها سبب پراکندن نیروهای صادق و وفادار به انقلاب گردند. باید مرز جریانات انحرافی را از جریانات اصل روشن کرده، از رواج این نوع برخورد‌های غیراصولی کفایت مستقیماً متوجه انقلاب و مکتب میشود، جلوگیری بعمل آورند.

اصالت مبارزات تاریخی ملت ایران مسئولیت دارند. انقلاب اسلامی ایران را نمی‌توان از پشتوانه تاریخی آن جدا کرد. آنروز هم همین ملت مسلمان ایران برای بیرون کردن استعمار قیام کردند، نفی نهضت ملی نفی اصالت گار ملت ایران است. همه قیامهای تاریخی ملت ایران علیه ظلم و استبداد داخلی با استعمار خارجی حلقه‌های یک زنجیر پیوسته هستند که نشان از تداوم خط‌سرخ عصیان و مبارزه تشیع غلوی بر ضد حکومت‌های جناب و

امریکا مردم مظلوم جهان را با تبلیغات و هیئت‌های که بوسیله صهیونیسم بین‌الملل ساز مانده می‌گردد استعمار می‌نماید.

روباروی دوهزارسال تحقیری بود که مصریان در میهن خود با آن روبرو بودند و وی می‌باید علاوه بر جنگیدن با قدرت عظیم استعمار دوران، با روحیه یاسزده و رنگ خورده از نومی‌دی ملت خویش که سرزمین مصر را از آن خود نمی‌دانستند و انگیزه‌های مبارزه و بیگار را در درون نداشتند، مجذمانه بچنگد.

پس از گذشت یکسال در ۱۸ ژوئن ۱۹۵۲ با تصویب شورای انقلاب مصر، باستانی‌ترین امپراطوری جهان فروریخت و به جمهوری تبدیل گردید. اکنون پست ریاست جمهوری و نخست‌وزیری با نجیب بود. و ناصر در پست وزارت کشور و قائم - مقام نخست‌وزیر انجام وظیفه می‌نمود. افسران آزاد با توجه به جو حاکم بسیار زود دریافتند که باید خود بر مصادر حاضر شوند و حکومت را در دست گیرند. اما

اینک مخالفت‌های ژنرال نجیب با حکومت افسران و اعتراض‌وی به تحدید مالکیتها و مسائلی دیگر در تعارض با شورای انقلاب، وی را بران داشت تا استعفا دهد و به عنوان امسر بازنشسته خانه‌نشین شود. ولی اختلافات در گروه افسران آزاد و نیز موج تحولات روزافزون و هواخواهان‌های که نسبت به نجیب ابراز میشد، سبب شد که وی دوباره در پست ریاست جمهوری ابقا گردد و ناصر هم به مقام نخست‌وزیری و ریاست شورای انقلاب برگزیده شد، اما وی این دو پست را مجدداً به نجیب بازگرداند.

از میان رفتن سانسور مطبوعات، دادن آزادی‌های حزبی و سیاسی به گروهها و یکسری فعل و انفعالات در ارتش و افزایش محبوبیت ناصر، موجب برکناری دوباره نجیب گردید. ناصر که در اینزمان سرگرم مذاکرات طولانی با بریتانیا بود، یک لحظه مقصود اصلی خویش یعنی خروج کامل قوای استعمار بریتانیا و پایان دادن به اشغال نظامی کشورش را از نظر دور نمی‌داشت تا آنکه در سال ۱۹۵۴ پس از ۲ سال کشمکش پیمان تازه‌ای را جانشین قرار داد یک‌جانبه و سرنا با استعماری ۱۹۳۶ که از جانب انگلیس تحمیل شده بود، نمود. طبق این قرارداد، نیروهای انگلیس می‌باید طرف ۲۰ ماه خاک مصر را تخلیه کرده و پایگاه خود را تنها تا هفت سال بعد بوسیله افراد غیرنظامی اداره کنند و در تابستان ۱۹۵۶ پس از ۲۴ سال اشغال مستمر، آخرین سربازهای انگلیسی خاک مصر را ترک کردند و ناصر عنوان داشت:

"اینک صفحه دردآورد و زشت روابط مصر و انگلیس ورق خورد و از این پس صفحه دیگری نوشته خواهد شد" و ناصر در همین زمان یعنی سال ۱۹۵۶ با کوشش‌های خود قانون اساسی مصر را بتصویب رسانید. هم‌اکنون مصر پرجمعیت‌ترین کشور عربی و قطب حیات فرهنگی، روشنفکری جهان عرب و با رهبری ناصر گام‌های ضد استعماری را هرچه سریعتر بر زمین می‌نهد. از مهمترین اقدامات ناصر بنفع کشور و مردم تازه از بند رسته، ملی کردن تجارت پنبه، بانکها، شرکتهای بیمه، حدود ۴۴ شرکت صنایع اصلی که در سال ۱۹۶۱ بتصویب رسید، مصادره همه شرکتهای انگلیسی و فرانسوی و اسرائیلی در سال ۱۹۵۷، لغو مالکیت‌های بزرگ و قطع نفوذ فتودال‌ها که تا اینزمان دخالتی چشمگیر در مجلس داشتند و تصویب قانون اصلاحات ارضی و اقداماتی دیگر از این دست میباشد. ناصر با محبوبیت فراوانی که بدست آورده بود، پس از لغو قرارداد تحمیلی ۱۹۳۶، در مراسم چهارمین سالگرد برکناری فاروق و پیروزی افسران آزاد، در اسکندریه طی ایراد نطقی هیجان‌زا، کانال سوئز را از آن مصر و مصریان دانست، وی در میان فریاد غرورآمیز مردم، ملی کردن کانال را اعلام نمود و ادعا کرد که کانال از این پس بوسیله مقامات مصری اداره خواهد شد. روح از دست‌رفته اینک به کالبد ملت دیده‌ده میشد، اما طبیعتاً در برابر این اقدام، استعمار که منافقش را بر امواج خروشان نیل روان از دست رفته می‌دید در مقام پاسخگویی برآمد و حمله مشترک فرانسه، انگلیس و اسرائیل بر مصر و سینا آغاز شد. که بدنبال درگیری‌های فراوان، سازمان ملل در مصر نیروهای برقراری آتش‌بس را مستقر نمود و بدنبال آن خاک مصر از استعمار و سلاح و نیروی سرکوبگرش تخلیه شد.

لبه تیز اندیشه‌هایی بخش ناصر، روباروی دو هزارسال تحقیری بود که مصریان در میهن خویش با آن روبرو بودند

بیداد را فرو ریختند و فاروق را از تخت بزیر کشیدند، ما فقط منتظر پیرواز مردم بودیم، خیلی صبر کردیم و انتظار کشیدیم جمعیت به سوی ما آمد ولی نه آنطور که در رویاهای خود تصور کرده بودیم، آنها پراکنده و بی‌نظم و در هرج و مرج کامل بودند، رژه مقدس هیچگاه صورت نگرفت. اما ناصر بدون یاس و سرخوردگی به راه خویش با این اعتقاد که مصر ناگزیر از یافتن روحو شخصیت از دست داده خویش است و دیگر نباید یک خارجی بر مقدرات ملت مصر حاکم باشد، ادامه داد. این یک اصل تردید ناپذیر است که نمی‌توان در مورد یک ملت بدون در نظر گرفتن عوامل روانی که محصول شرایط زندگی توام با بندگی و انقیاد در طول قرون طولانی تاریخ بوده است، قضاوت نمود. همچنانکه تاریخ پر استبداد و پر بیداد فراغنه، حمله چپ‌اولگرانه قوم مغول به مصر و نیز ظلم و بی‌عدالتی و فساد و ویرانی‌های فراوان که در سالیان دراز تسلط استعمار انجام شده بود، اساس دوران حیات تاریخی مصر را در قرون متعادی تشکیل می‌داد. و در این زمان لبه تیز اندیشه‌های بخش ناصر،

خط امام را از ورای پیام‌های اخیر بشناسیم

بقیه از صفحه ۱

پیام امام خمینی به زائران خانه خدا مسلمان " یکی از مهمترین پیامهای امام بود که جوهر انقلاب و هدفهای اساسی آنرا در شرایط حاضر تعیین می‌کرد - مواضع و نقطه نظرهای صریح و آشکار آن - راه را بر هرگونه

ترین ابزار جنایت و وسیله دست امپریالیسم آمریکا دانستند امپریالیسم صهیونیسم بین الملل را برای استعمار خلقهای جهان سازمان دهی کرده است و با ایادی مرموز و خیانتکارش خون ملتها را می‌مکد.

ملت ایران با انقلاب خود با آمریکای جنایتکار و همه امپریالیستها وارد جنگ شده است - دشمنی آمریکا با انقلاب ایران برخاسته از محتوای انقلاب است

برداشت انحرافی و یا سوء استفاده از خط امام می‌بندد. این پیام یک بار دیگر ضدیت قاطع خط امام را با هر نوع سازشکاری با امپریالیسم نشان می‌دهد، و بر نظریه های انحرافی لیبرالیستی، سه جهانی مهر باطل زده نیرنگ های گوناگون امپریالیسم را برملا می‌سازد. (۱) جوهر مکتبی این پیام نفی پرستش و بندگی همه بت ها و طاغوت ها و پشت پا زدن به انواع شرک از خودخواهی و خود محوری تا ترس از ابرقدرتها و اتحاد حول محور ایمان به خدا و برادری و برابری همه مومنان و آماده شدن برای یک مبارزه همه جانبه و آشتی ناپذیر با مظاهر کفر و بت پرستی و طاغوت پرستی و بیگانه سازی و استعمار میباشد.

۴) ملت ایران با انقلاب خود با آمریکای جنایتکار و همه امپریالیستها وارد جنگ شده است - دشمنی آمریکا با انقلاب ایران - اگر کسانی تصور می‌کنند - اشغال سفارت و گروگان گیری علت خصومت آمریکا با ماست در اشتباهند - از آنجا که محتوای انقلاب ملت ایران ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی است از آنجا که جوهر انقلاب ایران اسلامی است، آمریکا با آن دشمنی آشتی ناپذیر دارد و هرگز تا این محتوا باقی است با آن از در صلح و آشتی وارد نمی‌شود محتوای انقلاب ایران نفی حاکمیت و سلطه هر قدرت بیگانه است استقلال نقطه مرکزی اهداف این انقلاب است - به همین جهت تا این هدف باقی است امکان تفاهم با آمریکا وجود ندارد - امام تصریح می‌کنند که اگر ما از استقلال خود دست می‌کشیم و با یکی از ابرقدرتها کنار می‌آیم هرگز ایمنه دشمنی با ما نمی‌گردند و توطئه و جنگ براه نمی‌انداختند - اما ملت ایران تصمیم دارد با هر قیمتی هست استقلال خود را باز یابد شرف و ایمان خود را حفظ کند - و هرگز تن به خواری و ذلت و بندگی قدرتهای استعماری ندهد - برای رسیدن به این هدف ملت ما مرگ سرخ را برگزیده و بر زندگی توأم با ذلت و خواری ترجیح داده است - ملت ایران برای لقمه نانی بیشتر قیام نکرد، برای تغییر ارباب قیام نکرد، برای تغییر حاکم و طاغوت قیام نکرد، انقلاب کرد تا آزاد و مستقل شود تا حاکم بر سرنواخت خود گردد - تا حاکمیت را به الله یعنی به

۲) امام حکومت اسلامی را حکومت مستضعفان تعریف می‌کنند، تاکید می‌کنند که حکومتها تا امروز در همه ادوار تاریخی و همه جا حکومت صاحبان پول و زور بوده، سرمایه دارها بروسا، ملک دارها و خانها حکومت کرده اند، و زمین و نعمت خدایی را به تبول یکدیگر می‌داده اند - امام معتقدند که حکومت اسلامی باید خط بطلان بر حاکمیت زر و زور بکشد و با "دیکتاتوری، خودپسندی، چپاولگری و خودخواهی" بجنگد و حاکمیت را به زاغه نشینان و پابرهنگه ها بسپارد.

۳) امام تصریح می‌کنند که انقلاب بدست محرومان و ثمر رسید و دولتمردان تازه رسیده سهمی در این نبرد سخت نداشتند. مردم محروم شهید و قربانی دادند و سپس قدرتها دو دستی تقدیم کسانی کردند که از گرد راه

امام معتقدند که حکومت اسلامی باید خط بطلان بر حاکمیت زور و زور بکشد و با «دیکتاتوری، خودپسندی، چپاولگری و خودخواهی» بجنگد و حاکمیت را به زاغه نشینان و پابرهنگه ها بسپارد.

رسیده خود را قیم و رهبر و طلبکار مردم هم شمرند. (۲) امام تصریح می‌کنند که بزرگترین دشمن ملتها، قدرتمندترین کشور جهان یعنی آمریکا است که هدفی جز بلعیدن ذخائر مادی کشورهای تحت سلطه ندارد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. امام امریکا را دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان شمرند که برای حفظ سیطره سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. امام صهیونیسم را عامل اصلی و بزرگ-

به جنگ عادلانه مردم افغانستان برای آزادی و استقلال بی تفاوت باشد، با برادران خود همدردی نشان ندهد و تجاوز و سلطه طلبی شوروی را محکوم نکند.

۷) امام مردم ایران و بویژه روشنفکران را از دامهای متعددی که امپریالیسم در راه ما نهاده هشدار می‌دهند از آثار شوم استعمار - زندگی و شیفتگی به تمدن و فرهنگ استعماری مغرب زمین پرهیز می‌دهند - نیرنگهای همیشگی استعمار را بیاد مردم می‌آورند که چگونه با انواع وسایل میان مردم تفرقه ایجاد می‌کند، از مسیر درست و واحد منحرف می‌سازد شعارهایی چون ملی گرایی و تبلیغ این دروغ بزرگ که اسلام می‌خواهد فرهنگ و قومیت ایرانی یا عرب یا ترک و کرد را از میان بردارد همه برای فریب مردم و ایجاد نفاق و دشمنی با انقلاب است. دامن زدن به اختلاف مصنوعی ایرانی و عرب، شیعه و سنی

در آمده کشور را به استعمارگران و عوامل آنان تقدیم نمائیم ولی ما مطمئن هستیم که ملتها پشتیبان ما هستند مردم آمریکا و مردم عراق و همه ملل مسلمان و غیرمسلمان در کنار ملت ایران هستند - در مبارزه برعلیه امپریالیسم و تجاوز و زورگوئی همه ملتها باید متحد شوند مسلمان و غیرمسلمان ندارد و ما این مبارزه را تا پیروزی نهایی، یعنی کسب استقلال واقعی ادامه می‌دهیم زیرا ما مرد جنگ و جهاد و شهادت و ایثاریم - تسلیم برای مومن معنی ندارد - امام وجدان همه ملل جهان را به یاری می‌طلبند و اعلام می‌کنند که آمریکا قصد نابودی ما را دارد همه ملتهای جهان باید در نبرد علیه این قدرت متجاوز متحد و همراه و همگام با ملت ایران باشند.

۶) امام بر جوهر استقلال طلبی انقلاب ایران تاکید می‌کنند - ما با آمریکا می‌جنگیم ولی هرگز سلطه قدرت دیگری را بجای آن نمی‌پذیریم جنگ ما علیه هر نوع قدرت استعماری است شرق و غرب ندارد اروپا و آمریکا و ژاپن فرق ندارند ما بپاخاسته ایم تا کشورمان را از زیر سلطه اقتصادی - فرهنگی - سیاسی و نظامی قدرتهای استعماری بیرون کشیم - جوهر و محتوای انقلاب ایران ایجاب می‌کند که با هر نوع تجاوز علیه هر کس که باشد مخالفت کند با ظلم و ستم علیه هر ملتی باشد مسلمان یا غیرمسلمان مبارزه کند، متجاوز را هر کس که باشد محکوم نماید به همین جهت انقلاب ایران نمی‌تواند نسبت

امام تصریح می‌کنند که بزرگترین دشمن ملتها قدرتمندترین کشور جهان یعنی آمریکا است که هدفی جز بلعیدن ذخائر مادی کشورهای تحت سلطه ندارد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند

و ترک کرد و نظایر آن همه از توطئه ها و نقشه های شیطانی استعمار و صهیونیسم است. بر روشنفکران ماست که بیدار باشند. در این دامها نیفتند و متحد برای استقلال ایران و پیروزی انقلاب مبارزه کنند بر روشنفکران است که چهره واقعی اسلام را ب مردم دنیا

نشان دهند، زیرا حکومتهای منحرف و زور و ستمگری طی قرنهای چهره سخ شده ای از اسلام ترسیم کرده اند، از صدر اسلام تا کنون اسلام مهجور و محجوب مانده و مردم دنیا از حقیقت تابناک آن بی اطلاعند، حتی مسلمانان هم غالباً " اسلام را نمی‌شناسند. امام از همه کسانی که حقیقت اسلام را شناخته و به آن ایمان دارند دعوت به اتحاد و قیام می‌کنند، قیامی جهانی برای نابود ساختن هر قدرت اهریمنی و استعماری، قیام برای برقراری عدالت و برادری در سراسر جهان (۸) سرانجام امام به تبلیغات عظیم و زهرآکین استعمار و صهیونیسم و عوامل آنها در سراسر جهان، اشاره می‌کنند، دشمن با تبلیغات حساب شده و فشرده خود چهره انقلاب را مخدوش و روح یاس، تفرقه، بدبینی در مردم می‌دمد افکار عمومی جهان را فریب می‌دهد، انقلاب را شکست خورده قلمداد مینماید، انواع خصومتها و اختلافات را در مردم دامن می‌زند، این خطرناکترین حربه دشمن علیه ماست باید با هوشیاری این تبلیغات را خنثی کنیم از تفرقه بیرهیزیم و در دام اختلافات مذهبی و مسلکی و ملی و قومی نیفتیم همه یک دشمن داریم و یک هدف و یک مسیر - اگر دولتمردان و مسئولان از روی خود خواهی و تسلط هوایای نفسانی بجان هم می‌افتند بر ملت است که بی اعتنا راه خود را متحدان ادامه دهد و وارد کشمکشهای غیراصولی تحلیل برنده قدرت و نیروی انقلاب نگردد. بر همه ماست که همه جا با این تبلیغات نفاق افکنانه مبارزه کنیم و دست برادری و اتحاد سوی همه برادران خود از هر قوم و طبقه و ملت دراز کنیم، در اینصورت است که خداوند نصرت خود را از ما دریغ نخواهد کرد و بطور قطع پیروز خواهیم شد دشمن ما خوار و شکست خورده باقی خواهد ماند.

می‌تواند سد سدید شود و نه بندهای همیشه در پا می‌تواند پاکباز گردد، زیرا حرکت و جهش به قصد آزادی است و آزادی هم با انسان متولد می‌گردد و پدیده ای نیست که در عطیه فردی باشد و ملک شخصی کسی قلمداد شود تا وی راه وصول به آنرا مسدود سازد. انسان آزاد می‌باید که در فضای آکنده از آزادی تنفس کند. و خلق نیکارگوئه هم برای باز پس گیری آنچه که سالها از آن محروم بود از جا برخاست و چنانکه دیدیم نه سوموزا توانست مانع شود و نه ارتش مزدور و نه حامی پشت پرده شان، راس جهانخواهران سد دوران، آمریکا، ریخته شدن خون ۴۰ هزار مردم آزادیخواه نیکارگوئه نیز نباید غیرطبیعی تلقی شود زیرا آزادی خون سرخ می‌خواهد و ایثار بی‌کران. باشد که سرانجام دیکتاتور سوموزا عبرتی شود برای همه سردمداران استبداد و در بند کنندگان آزادی.



مغرب روی داده است. در این پیکار چهار زره پوش، ۳۹ وسیله نقلیه نظامی و دهها توپ و خمپاره انداز سنگین نیروهای مغرب منهدم شده و عده زیادی از سربازان و درجه داران مغربی به اسارت گرفته شده اند.

خبرگزاری فرانسه در پی حمله چریکهای السالوادور به مقر سازمان کشورهای آمریکائی در سان سالوادور پایتخت این کشور، یازده تن توسط چریکها به گروگان گرفته شدند. به گفته مقامات پلیس، در این حمله دوتن از ماموران محافظ مقر سازمان های آمریکائی کشته شدند. چریکهای تصرف کننده مقر سازمان کشورهای آمریکائی در بیانیه ای خواهان بقیه در صفحه ۵

دیکتاتورسیم مرگ دیکتاتورو

خبرگزاریها ترور آناستازو سوموزا دیکتاتور خون آشام نیکارگوئه باردیگر حتمیت سروشت تمامی دیکتاتوران و مستبدین تاریخ و پدیده کثیف فاشیسم را تأیید نمود و سوموزای خائن که برای باقی ماندن در صحنه سیاسی که در آن جهانخواهران او را به بازی گرفته بودند، بیش از ۴۰ هزار تن از مردم بی پناه و بی دفاع نیکارگوئه را به قربانی گرفته بود، به گور از پیش کنده شده دیکتاتوران روانه گردید. تاریخ نشان می‌دهد و سنت ها نیز با کلامی قاطع تکرار و تکرار می‌کنند که قد علم کردن در برابر اراده خلقها و قرار دادن عظیمترین نیروهای نظامی ضد مردمی در مقابل آنان، کاری بس عبث و بیهوده است و ره جز به شکست و زوال نمی‌برد. کافی است تا خلقی مصمم شود و رهائی طلب کند، دیگر نه راه پرمانع

جنبش پولیساریو، گروگانگیری، چریکهای السالوادور، حکومت نظامی ترکیه

کشته و چهل نفر دیگر را مجروح کرده اند. این بزرگترین نبردی است که در ماه های اخیر بین نیروهای پولیساریو و سربازان

با بسیج و مسلح کردن توده ها ارتش بیست میلیون را واقعیت بخشید

هدفهای امپریالیسم و صهیونیسم در لبنان

بقیه از صفحه ۱

۵۶ (۱۹۷۵ و ۱۹۷۶) و از آن پس جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل در جنوب لبنان را در کجا باید جستجو کرد؟ آمریکا و اسرائیل و سوریه هنوز که هنوز است در مقابل توطئه معاهده کمپ دیوید مقاومت میکنند و این مقاومت و پایداری تحقق بسیاری از هدفهای امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه با خطر جدی مواجه ساخته است.

نیروهای فاشیست و فالتزست پیر جمائل و نیروهای تجزیه طلب سعد حداد بدنبال چه هدفهایی هستند؟ خط خیانت بار سادات در کمپ دیوید چگونه بر آنچه در لبنان میگردد اثر گذاشته است؟

لبنان در متن استراتژی وحدت و تضاد امپریالیسم و صهیونیسم در کجا قرار گرفته و تضادهای درونی جامعه صهیونیسم در اسرائیل چگونه در لبنان منعکس می شود؟

توطئه کسینگر و

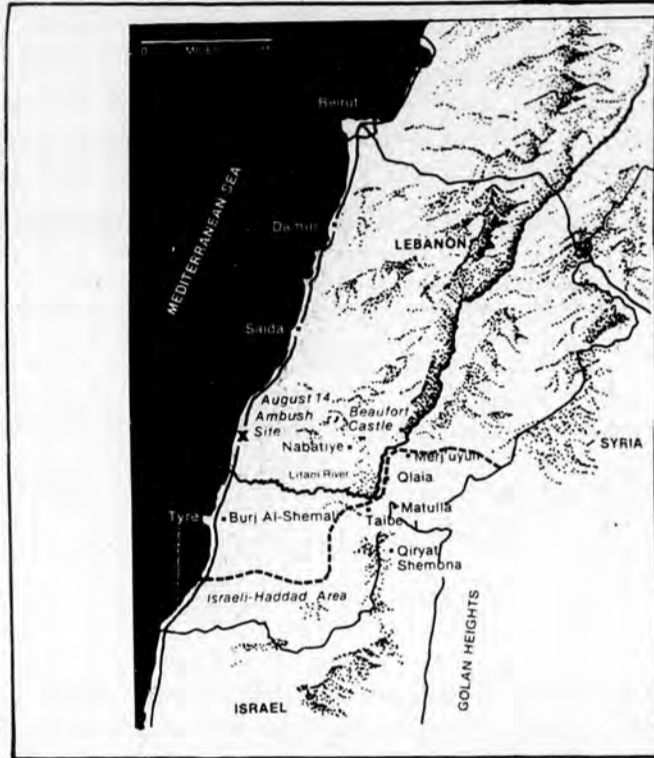
هشدار تیتو به عرفات

با سر عرفات، در مصاحبههای فاش کرد که روزهای آخر سال ۱۹۷۴ در ملاقاتی که با تیتو داشته است، تیتو هشدار داده که بدنبال ملاقات اخیر خود با کسینگر سردیدی در شکل گرفتن توطئه های جدید آمریکائی - اسرائیلی در منطقه ندارد و بدنبال این هشدار اجرای طرح توطئه ای که با مسافرت های بی دریغی کسینگر بمنطقه آغاز شد در دستور روز قرار گرفت، توطئه ای که در نهایت به معاهده ننگین کمپ دیوید منجر گردید. هنوز زمان اندکی از دور دوم مذاکرات مصر و اسرائیل با پا در میانی کسینگر برای عقب نشینی های مرحله ای ارتش اسرائیل از صحرای سینا نگذشته بود که توطئه در لبنان

عملی می شد و خط کسینگر بر این مبنا استوار بود که لبنان را طعمه حریق جنگ های قومی و قبیله ای و مذهبی و فرقه ای ساخته و سازمان آزادی بخش فلسطین را در زیر خاکستر شعله های جنگی که مقدمات آن با مسلح ساختن نیروهای فالتزست پیرجمائل و کامیل شمعون

دیوید قرار گرفت:

- ۱- فالان تزیستها که چسراغ سیز را از تل آویو و واشنگتن دریافت نموده اند در بیروت و شرق و شمال لبنان با اقتباس از شیوه های فالان تزیستهای اسپانیا و نازی های آلمان هیتلری



و دیگر نیروهای وابسته با امپریالیسم و صهیونیسم فراهم شده بود مدفون سازد. پس از دو سال جنگ تحمیلی و فاشیستی بر سازمان آزادی بخش فلسطین و نیروهای لبنانی وفادار با رمانهای انقلاب فلسطین و لبنان، با همی فاجعه آفرینی های مزدوران وابسته با امپریالیسم و صهیونیسم حماسه هائی چون حماسه تل - الزعتر آفریده شد و انقلاب فلسطین آزموده تر و ورزیده تر و هشیارتر از میان شعله های آتشی که کسینگر و پیر جمائل و کامیل شمعون افروخته بودند سر برآورد اما توطئه در لبنان بهدفعهای خود نرسیده بود و الزاما " در شکل و صورت های دیگر باید تعقیب می شد، اگر

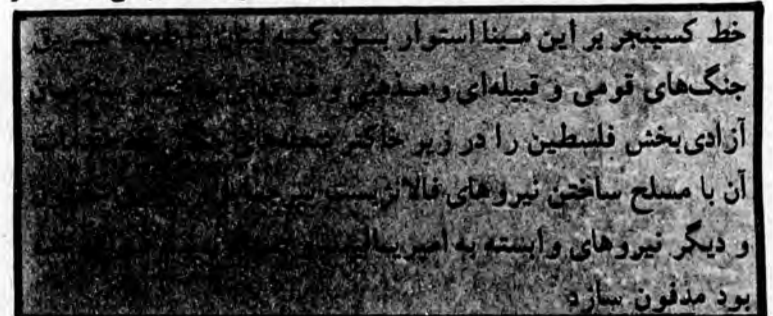
بشدت سازماندهی شده و تا بن دندان با سلاح های آمریکائی - اسرائیلی مسلح شده اند و بلحاظ سیاسی و نظامی کاملا " به خدمت امپریالیسم و صهیونیسم درآمده اند.

- ۲- تنها با فاصله سه ماه از مسافرت خیانت بار سادات با اسرائیل و اورشلیم جنوب لبنان صحنه تاخت و تازهای نیروهای مزدور سعد حداد شده و برنامه ها و نقشه های اسرائیلی در جنوب پیاده می شود و بدین ترتیب آمریکا و اسرائیل لبنان را از شمال و جنوب با دستکاری نیروهای مزدور وابسته بخود تحت فشار سختی قرار داده اند.

هدفهای اسرائیل و آمریکا در لبنان

اسرائیل و آمریکا در جنگ های دو ساله سالهای گذشته و استراتژی تهدید و تهاجم در لبنان از شمال و جنوب هدفهای زیر را تعقیب می نمایند:

- ۱- اسرائیل و آمریکا در پی پاره پاره کردن لبنان و ایجاد مناطق جدا و مستقل فالتزست و کتائب و مسیحی و مارونی نشین متعدد از سوئی و مسلمان، شیعه و سنی نشین از سوی دیگرند و باین خواست خود دو هدف عمده را دنبال می کنند.
- اول - سیاست "بالکانیزاسیون" و پاره پاره کردن سرزمینهای عربی اسلامی را چرا که وحدت خلقهای این منطقه از عوامل موثر و تعیین کننده برای اضمحلال کیان صهیونیستی بشمار میرود و طبیعی است که با موفقیت چنین سیاسی نه تنها با جبهه واحد و یکپارچه ای در مقابل تجاوزات خود در لبنان مواجه نخواهد بود بلکه در میان این طائفه و فرقه نشینهای لبنانی پایگاههایی هم خواهند



خط کسینگر بر این مبنا استوار بود که لبنان را طعمه حریق جنگ های قومی و قبیله ای و مذهبی و فرقه ای ساخته و سازمان آزادی بخش فلسطین را در زیر خاکستر شعله های جنگی که مقدمات آن با مسلح ساختن نیروهای فالتزست پیرجمائل و کامیل شمعون و دیگر نیروهای وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم درآمده اند، در شکل و صورت های دیگر باید تعقیب می شد، اگر

بمرحله عمل گذاشته شد، هم زمان با نزدیک شدن به میز مذاکرات رسمی و حرکت خائنانه و شتابزده سادات برای خروج از جرگه کشور - های مقدم جبهه نبرد با اسرائیل و مسافرت به اسرائیل و صحنه گذاشتن بر موجودیت غاصبان اسرائیل، می باید زمینه های مساعد فراهم می شد و در میان زمینه های مساعد آنچه که از اهمیت فوق العاده و تعیین کننده برخوردار بود، سرنوشت خلق فلسطین و بازوی انقلابی و مسلح آن سازمان آزادی بخش فلسطین بود. این توطئه می باید ظاهرا " بدون دخالت ارتش بیگانه و آمریکا و اسرائیل

داشت چنانکه از صم اکنون نشانه های بارز چنین وابستگیها بوضوح دیده می شود. باشد ایجاد گردد.

- ۴- انقلاب فلسطین و سازمان آزادی بخش فلسطین در افشا و شکست توطئه کمپ دیوید و دیگر توطئه های آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه نقش مهمی ایفا می نماید.
- ۵- با در پیش گرفتن استراتژی انقلاب مسلحانه همه ی فرقه ها و طوائف که از شعارهای تعیین کننده سازمان آزادی بخش فلسطین در برپائی حکومت انقلابی دموکراتیک در سرزمین فلسطین بشمار می رود، عملی نیست و خواب

صهیونیسم و امپریالیسم در پی باز آوردن انقلاب فلسطین بمدار کمپ دیوید تلاش می کنند و پنداشته اند که با تحمیل جنگ های فرساینده و فاشیستی توان انقلاب را خواهد فرسود و از منطق ابتلا و شکوفاتی بی خبرند که جریان اصیل و انقلابی و تکاملی در زیر ضربات دشمن رشد می کند

و خیالی است عبث و لبنان قربانی توطئه های آمریکا و اسرائیل بعنوان سند بی اعتباری چنین خواست و شعاری انعکاس یابد.

- ۲- سوریه هنوز که هنوز است در مقابل توطئه معاهده کمپ دیوید مقاومت میکند و این مقاومت و پایداری تحقق بسیاری از هدف های امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه با خطر جدی مواجه ساخته است، شرق لبنان که یکسره هم جوار و هم مرز سوریه می باشد میتواند چون برگ برنده ای برای تحمیل فشار بر مقاومت سوریه بکار رود، و ادار ساختن سوریه به پذیرش قرارداد کمپ دیوید و عواقب آن و تحمیل استراتژی نظامی اقتصادی نفتی، منطقه ای امپریالیسم بر خاورمیانه

جدی قرار میدهد، بنابراین طبیعی است که جهت اصلی هرگونه توطئه و دسیسه ای متوجه انقلاب فلسطین باشد.

اسرائیل بارها اعلام داشته که فلسطینی ها در لبنان باید اسلحه خود را بر زمین گذارند و فلسطینی ها را در هر کجا که باشند و در هر زمان که باشد مورد هجوم قرار خواهیم داد، صهیونیسم و امپریالیسم در پی باز آوردن انقلاب فلسطین بمدار کمپ دیوید تلاش می کنند و پنداشته اند که با تحمیل جنگ های فرساینده و فاشیستی نه انقلاب را

تصفیه ارتش و بازسازی بنیادی آن، ضرورت تداوم انقلاب.

هموطن مبارر
لطفاً وجوه نشریه امت وهمچنین کتکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از قیش کمک مالی را بدفتر امت ارسال دارید.
متشکریم

خواهران و برادران مبارز خارج از کشور برای ادامه نشر و توزیع امت وجوه نشریات ارسانی را هرچه زودتر پرداخت نمائید.
باشکر - امور مالی و توزیع

نشریه
جبهش مسلمانان مبارز
سال دوم
زیر نظر شورای نویسندگان
شماره ۷۵
خیابان بهار شمالی نبش نامجو منطقه ۱۵
پستی ۸۲۴۹۸۲